



Social consequences of World War II in Hamadan (1941-1946)

Majid Forotan¹ | Kayvan Shafei² | Mohammad-Ghorban Kiyani³ | Anvar Khalandi⁴

**GANJINE-YE
ASNAD**
Historical Research &
Archival Studies Quarterly

Research paper

Abstract:

Purpose: The occupation of Hamadan by Allied powers in World War II had political, economic, social and cultural consequences for the city. Among which social consequences such as the bread crisis, migration and social disintegration, the epidemic disease, the arrival of immigrants, xenophobia, convergence and exile were the most important ones. The purpose of this study is to describe and analyze these consequences using archival records and other written documentaries.

Method and Research Design: Library research used to investigate archival records, reports and other written documentaries.

Findings and Conclusion: The social consequences of World War II in Hamadan were continuous and more than the other ones; such consequences and the condition continued for a long time even in the post-war period. Besides, the mentioned consequences had some positive effects on components such as xenophobia and convergence as well.

Keywords: Hamadan; World War II; The Allies; Social Consequences.

Citation: forootan, M., Shafei, K., Kiani, M., & Khalandi, A. (2022). Social consequences of World War II in Hamadan (1941- 1946). *Ganjine-ye Asnad*, 32(3), 6-36 | doi: 10.30484/ganj.2022.2946

1. Phd student of History, Department of History, Sanandaj Branch, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran, (Corresponding Author)
majidforotan88@gmail.com

2. Assistant Professor, Department of History, Sanandaj Branch, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran.
kaivan_shafei@yahoo.com

3. Assistant Professor, Department of History, Sanandaj Branch, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran.
mohammadkiani@yahoo.com

4. Assistant Professor, Department of History, Sanandaj Branch, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran.
a.khalandi@alumni.ut.ac.ir

Copyright © 2022, NLAI (National Library & Archives of I. R. Iran). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.

Ganjine-Ye Asnad

«127»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI): 10.30484/GANJ.2022.2946

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | <http://ganjineh.nlai.ir>

Vol. 32, No.3, Autumn 2022 | pp: 6 - 36 (31) | Received: 3, Mar. 2021 | Accepted: 19, Jun. 2021

Historical research





فصلنامه تحقیقات تاریخی
و مطالعات آرشیمی

مقاله پژوهشی

پیامدهای اجتماعی جنگ جهانی دوم در همدان (۱۳۲۰-۱۳۲۵ ش)

مجید فروتن^۱ | کیوان شافعی^۲ | محمد قربان کیانی^۳ | انور خالدی^۴

چکیده:

اشغال همدان توسط نیروهای متفقین در جنگ جهانی دوم پیامدهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی متعددی برای این شهر به وجود آورد. در بین این پیامدها، تأثیرات اجتماعی جنگ هم چون بحران نان، مهاجرت و گسست اجتماعی، شیوع بیماری، ورود مهاجران، بیگانه‌ستیزی، همگرایی، و تبعید برجسته‌تر بود.

هدف: تحلیل و بررسی پیامدهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی جنگ جهانی دوم در همدان با استفاده از منابع، اسناد و اطلاعات جدید و مستند از شرایط و اوضاع این دوران.

روش / رویکرد پژوهش: روش پژوهش توصیفی-تحلیلی است و اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای-اسنادی و براساس گزارش‌های موجود گردآوری شده است.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: پیامدهای اجتماعی جنگ جهانی دوم بر همدان بیش از پیامدهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی آن بود و در دوران پساجنگ هم تا مدت زیادی ادامه داشت. این جنگ علاوه بر تأثیرات منفی و مخرب، تأثیرات مثبتی هم در زمینه بیگانه‌ستیزی و همگرایی به ارمغان آورد.

کلیدواژه‌ها: همدان؛ جنگ جهانی دوم؛ متفقین؛ پیامدهای اجتماعی.

استناد: فروتن، مجید، شافعی، کیوان، کیانی، محمدقربان، خالدی، انور. (۱۴۰۱). پیامدهای اجتماعی

جنگ جهانی دوم در همدان (۱۳۲۰-۱۳۲۵ ش). *گنجینه اسناد*، ۳۲(۳): ۳۶-۶

doi: 10.30484/ganj.2022.2946

۱. دانشجوی دکتری تاریخ، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران. (نویسنده مسئول).
majidforotan88@gmail.com
۲. استادیار گروه تاریخ، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران.
kaivan_shafei@yahoo.com
۳. استادیار گروه تاریخ، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران.
mohammadkiani@yahoo.com
۴. استادیار گروه تاریخ، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران.
a.khalandi@alumni.ut.ac.ir



گنجینه اسناد

۱۲۷

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲ | شاپا (الکترونیکی): ۲۵۳۸-۲۲۶۸

شناسانه برنمود رقمی (DOI): 10.30484/GANJ.2022.2946

نمایه در: ISC, SID, Researchgate, Google Scholar | ایران ژورنال | http://ganjineh.nlai.ir

سال ۳۲، دفتر ۳، پاییز ۱۴۰۱ | صص: ۶-۳۶ (۳۱)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۱۳ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۳/۲۹

تحقیقات تاریخی

۱. مقدمه

با شروع جنگ جهانی دوم (۱۹۳۹-۱۹۴۵ م/ ۱۳۱۸-۱۳۲۴ ش) توسط آلمان‌ها، ناپره جنگ به دیگر کشورها نیز کشیده شد و در پی آن - با وجود اعلان بی طرفی دولت ایران - کشور ایران در شهریور ۱۳۲۰ به اشغال متفقین درآمد. جنگ جهانی دوم و اشغال ایران یکی از تأثیرگذارترین حوادث تاریخ معاصر ایران به‌شمار می‌آید که پیامدهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی بسیاری در ایران به‌بار آورد و ایران در این دوره پل پیروزی متفقین بر متحدین لقب گرفت و محل تدارک قوا و موقعیتی برای حفظ منافع آن‌ها به‌ویژه انگلیس و شوروی شد. در این زمان همدان نیز مانند برخی از شهرهای دیگر ایران به اشغال قوای انگلیس و شوروی درآمد و تحولات زیادی در تمامی ساختارهای آن ایجاد شد. جنگ جهانی دوم و اشغال همدان عوارضی را در این منطقه به‌وجود آورد؛ از جمله: تشدید حس بیگانه‌ستیزی و همگرایی اجتماعی؛ بحران و قحطی نان؛ تبعید مخالفان توسط متفقین؛ و مهاجرت و گسست اجتماعی. با وجود اهمیت زیاد بررسی پیامدهای اجتماعی جنگ جهانی دوم بر همدان و وجود منابع و اسناد متعدد در این زمینه، پژوهش‌گران تاکنون تحقیق و پژوهشی علمی در این زمینه انجام نداده‌اند. پژوهش‌هایی هم که تاکنون در این زمینه انجام شده‌اند صرفاً به روایت جنگ توجه داشته‌اند و تبعات اجتماعی جنگ جهانی دوم بر همدان را به‌شکل جامع بررسی نکرده‌اند.

تحقیق حاضر در پی پاسخ به این پرسش است که:

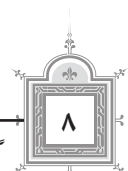
اشغال همدان در جنگ جهانی دوم چه پیامدهای اجتماعی‌ای بر این منطقه داشته‌است؟ هدف از نگارش این نوشتار در حوزه تاریخ محلی همدان تحلیل و بررسی اوضاع این دوران با استفاده از منابع و اسناد و گزارش‌های موجود و عرضه اطلاعات جدید و مستندی از پیامدهای اجتماعی جنگ جهانی دوم در همدان است. در این تحقیق سعی می‌شود تا تبعات اجتماعی جنگ بر همدان از زوایای مختلف بررسی شود.

۲. پیشینه تحقیق

در زمینه موضوع تحقیق حاضر، مطالعات اندکی وجود دارد و اغلب مطالعات اطلاعاتی تازه و تصویری کامل و روشن از پیامدهای اجتماعی جنگ جهانی دوم بر همدان ارائه نمی‌دهند. اغلب گزارش‌های این مطالعات در زمینه جنگ جهانی دوم در همدان حاوی همان مطالب نوشته‌ها و منابع پیشین است. از جمله این تحقیقات عبارت‌اند از:

الف) کتاب «پل پیروزی، سرزمین قحطی: ایران در جنگ جهانی دوم» تألیف محمدرحمانی مجد (۱۳۹۵). این منبع بیشتر در متن تاریخ سیاسی و دیپلماتیک ایران، علل

۱. ناپره: آتش



و پیامدهای قحطی ایران در بین سال‌های ۱۹۴۲ تا ۱۹۴۳م را بازگو کرده‌است. امتیاز این کتاب دسترسی به اسناد و گزارش‌های دستگاه‌های اطلاعاتی آمریکا است. در این کتاب بیشتر، آسیب‌های اجتماعی، بحران‌های سیاسی و بی‌ثباتی داخلی ایران در دوران اشغال و کم‌کاری دولت‌های خارجی بیان شده‌است. دربارهٔ اوضاع همدان در جنگ جهانی دوم اخبار و اسنادی از قحطی و گرانی و بلوای نان در جنگ جهانی دوم ذکر شده‌است که اهمیت زیادی دارد.

ب) «اهمیت استراتژیکی ایران در جنگ جهانی دوم» نوشتهٔ همایون الهی به ریشه‌های تاریخی شکل‌بندی بلوک‌های مختلف جنگ در اروپا و موجبات جنگ، روابط ایران با قدرت‌های بزرگ و موقعیت استراتژیکی ایران در روابط با آلمان، روسیه و انگلیس، موضوع اشغال ایران و دستاویز متفقین در اشغال ایران، کناره‌گیری رضاشاه از قدرت و اهمیت اقتصادی ایران از نظر متفقین اشاره دارد. مباحث و اطلاعات این کتاب دربارهٔ همدان در دوران جنگ جهانی دوم چندان زیاد نیست.

ج) کتاب «ایران و قدرت‌های بزرگ در جنگ جهانی دوم» تألیف ایرج ذوقی (۱۳۳۸) از تحقیقات کامل و تحلیلی ایران در دورهٔ جنگ و حوادث این دوران در روابط کشورها با ایران به حساب می‌آید که نویسندهٔ آن تاریخ دیپلماسی ایران در نیمهٔ اول قرن بیستم میلادی یا به‌طور دقیق‌تر تاریخ سیاسی و دیپلماسی ایران با کشورهای بزرگ از ۱۹۳۹ تا ۱۹۴۹م را بررسی کرده‌است. اغلب تحقیقات بعدی و به‌ویژه مقالات مرتبط با جنگ جهانی دوم از این کتاب بهرهٔ زیادی برده‌اند.

د) «اسنادی از اشغال ایران در جنگ جهانی دوم». در این مجموعهٔ ۸جلدی اسناد مختلفی گردآوری و روایت شده‌است با عناوین: بازداشت و تبعید و مداخله؛ تحمیل پیمان سه‌جانبهٔ اعلان جنگ به آلمان؛ تصرف اماکن و اموال؛ قتل و تعددی؛ تجاوز و نقض حاکمیت؛ سانسور و مداخله در امور پولی و مالیاتی؛ ورود نیروهای آمریکایی به ایران؛ راه‌ها، راه‌آهن و فرودگاه‌ها؛ قطع درختان؛ نان و غله؛ و مهاجران لهستان در ایران. برخی از اسناد این مجموعه به همدان مربوط است.

ه) کتاب «بحران دموکراسی در ایران ۱۳۲۰-۱۳۳۲» تألیف فخرالدین عظیمی به بررسی اقدامات و شرایط دولت‌های ایران از ۲۰ شهریور ۱۳۲۰ تا مرداد ۱۳۳۲ و تفوق نهضت ملی و افول سلطنت پرداخته‌است. درارتباط با موضوع تحقیق حاضر بخش‌های مرتبط این کتاب تا سال ۱۳۲۵ش قابل‌اعتنا است.

و) «انقلاب اسلامی در همدان» تألیف ابوالفتح مؤمن (۱۳۸۶). در بخشی از جلد اول این کتاب به اوضاع همدان در جنگ جهانی دوم پرداخته شده و به‌صورت مختصر شرایط

این شهر و منطقه و اقدامات نظامی شوروی و انگلیس در همدان بیان شده است. (ز) اسناد «آرشیو دیجیتال کشور قطر» شامل اسناد و گزارش‌های سفارت انگلیس در ایران. قسمتی از این اسناد و مدارک به انتصابات کنسول‌گری همدان از بین افراد نظامی و یادداشت‌های ماهانه معاون کنسول همدان در اواخر دوران جنگ مربوط است و برای اولین بار استفاده شده است و حاوی مطالبی درباره وضعیت امنیت شهر و منطقه، رفت‌وآمد شخصیت‌های انگلیس و شوروی به همدان، فعالیت احزاب و گروه‌های اجتماعی و به‌ویژه انتخابات مجلس پانزدهم در همدان است.

(ح) مقاله «آثار و پیامدهای اجتماعی اشغال ایران در شهریور ۱۳۲۰» تألیف سمانه بایرامی (۱۳۸۸). این مقاله پیامدهای اجتماعی و اقتصادی کوتاه‌مدت و بلندمدت اشغال ایران را بررسی کرده است و مطالب آن کلی است و کمتر به اوضاع ایالات و ولایات ایران توجه داشته است.

همان‌طور که ملاحظه شد هیچ‌یک از تحقیقات مذکور روی موضوع پیامدهای اجتماعی جنگ جهانی دوم در همدان تمرکز ندارند و کمتر به این موضوع وارد شده‌اند؛ از این رو می‌توان گفت که رویکرد پژوهش حاضر تاحدودی جدید و متفاوت از تحقیقات و نوشته‌های پیشین است؛ به‌ویژه این که بخش زیادی از مطالب مقاله حاضر بر اسناد و مدارک جدید و رسمی متکی است.

۳. بحران نان و واقعه آبان ۱۳۲۰ در همدان

یکی از پیامدهای عمومی حضور قوای متفقین در ایران کمبود و گرانی نان بود که تمامی ایالات و ولایات را با شدت و ضعف درگیر کرده بود. این موضوع به هیجان عمومی و ازدحام مردم در نانواپی‌ها منجر شد. در این هیجان، مردم بیشتر به احتکار و کمبود گندم و در نتیجه گرانی و نامرغوبی نان اعتراض داشتند. اعتراض مردم به وضعیت نان دلیلی بر بی‌کفایتی دولت در تأمین قوت مردم و ممانعت از سوءاستفاده نیروهای خارجی و محتکران داخلی بود. نیاز قوای متفقین به گندم از یک سو و کم‌شدن تولید گندم از سوی دیگر باعث شد تا کمبود آرد و نان به‌وجود آید و به بحران تبدیل شود. تصاحب غلات در این دوره توسط متفقین با هدف تأمین مصارف نیروهایشان، یکی از عوامل کمبود گندم در زمان اشغال ایران بود. در این بین، نیروهای شوروی در تداوم بحران نان سهم بیشتری داشتند؛ زیرا آن‌ها از حمل غله از مناطق تحت نفوذ خود به نواحی قحطی‌زده جلوگیری می‌کردند (نجاتی، ۱۳۷۸، ص ۵۹۰). فروش سهمیه‌ها توسط نانواپی‌ها به‌صورت آزاد این کمبود و گرانی را تشدید کرد. در این دوران نان نامرغوب و مخلوطی از آرد



گندم و جو و بعضی اوقات ارزن و دانه خشخاش بود. دولت برای حل این بحران گریبان گیر عموم مردم ایران علاوه بر دادن راهکارهایی برای جیره بندی و توزیع کوپن نان، «آرتور میلسپوی» آمریکایی را هم به سمت رئیس اداره کل دارایی استخدام کرد. یکی از مأموریت های اصلی میلسپو در این زمان حل بحران نان بود. او در اولین اقدام برای رفع مشکل نان به یکباره قیمت گندم را افزایش داد که باعث واکنش مردم شد (سلیمانی و عزیزخواه، ۱۳۹۱، ص ۹۳). افزایش قیمت گندم به نفع کشاورزان بود و بر مردمی که قوت غالبشان نان بود تأثیر منفی داشت؛ به این دلیل او نتوانست به سرعت بر بحران نان فائق آید. بحران نان و کمبود آرد و گندم در همدان پیامد موقتی اشغال شهر بود و با تخلیه شهر به تدریج این پیامد منفی برطرف شد. دلایل متعددی باعث شده بود قضیه نان در همدان به بحرانی همگانی تبدیل شود. لوئیس دریفوس^۲ سفیر آمریکا در ایران کمبود گندم و نان را به چند دلیل می دانست. قبل از جنگ مقداری گندم به آلمان صادر شده بود و به این دلیل موجودی انبارهای گندم کاهش یافته بود. دوم این که محصول گندم کشور در سال ۱۹۴۰م اصلاً خوب نبود، ارتش هم نتوانسته بود با برنامه ایجاد انبار استراتژیک خود به بهبود اوضاع کمکی بکند^۳ (مجد، ۱۳۸۹، ص ۴۵۸). یکی دیگر از عوامل کمبود گندم خشک سالی هایی بود که در منطقه حادث می شد. طبق گزارش های موجود، در آستانه جنگ و ورود متفقین به ایران، خشک سالی بر منطقه حادث و تولید گندم کم شده بود. سال ۱۳۱۹ش به علت خشک سالی سالی بد برای تولید و برداشت گندم در همدان و در نتیجه منطقه اطراف بود.

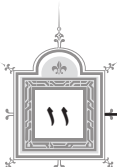
احتکار گندم از سوی مالکان و زمین داران فقط مختص به زمان جنگ نبود و عاملی دائمی در کمبود گندم در منطقه به شمار می آمد که گاهی شدت بیشتری می یافت. این اقدام خوانین در احتکار گندم در زمان جنگ یکی از مهم ترین عوامل کمبود و قحطی گندم و نان در منطقه به شمار می آمد. خوانین و ملاکان بزرگ منطقه دست کمی از نیروهای بیگانه و دولت نداشتند و در ایجاد و تداوم بحران نقشی تأثیر گذار داشتند. اغلب ملاکان و خوانین با توجه به این که در شهر و منطقه سیلو وجود نداشت خودشان محصولشان را به قصد گران فروشی انبار می کردند و در دوران جنگ هم با فرماندهان متفقین همکاری می کردند و گندم را به عوامل آن ها می فروختند (علی اصغر نژادیان، مصاحبه، ۱۳۸۰/۱۰/۳۰).

بر اساس روالی همیشگی هر ساله مازاد محصول گندم همدان به دیگر شهرهای کشور ارسال می شد. باین که میزان ارسال گندم از همدان به دیگر نقاط کشور با نزدیک شدن به زمان جنگ کمتر شده بود (روزنامه اطلاعات، ش ۴۷۶۶، ص ۴) و در سال ۱۳۱۹م/۱۹۴۱ش فقط ۱۱۸۰۰ تن گندم از همدان به دیگر مناطق ایران ارسال شد (مجد، ۱۳۹۵، ص ۵۹۴)، ولی

1. Arthur Millspugh

2. Louis Dreyfus

۳- گزارش لوئیس دریفوس به شماره ۳۷ مورخ ۳۰ ژانویه ۱۹۴۱ به وزارت خارجه آمریکا.



در زمان اشغال کشور و نیاز بیشتر به گندم و کمبود محصول ناشی از خشک‌سالی، ارسال همین مقدار کم مازاد گندم از همدان هم در بین مردم التهاب ایجاد کرد و اعتراض‌های عمومی را در پی داشت.

با ورود قوای متفقین به همدان، نظارت دولتی بر انباشت و ذخیره‌غلات در هنگام برداشت محصول کم شده بود و بیشتر محصولات را قوای متفقین به خارج از کشور برای تهیه آذوقه و مصرف قوای روس ارسال می‌کردند. در سال ۱۳۲۲ش روس‌ها حدود یکصد هزار تن غله را از ایران خارج کردند. آن‌ها به‌غیراز معامله‌ای که برای تهیه گندم با دولت انجام می‌دادند، از بازار آزاد هم گندم می‌خریدند و به روسیه حمل می‌کردند. روس‌ها در سال ۱۳۲۳ش ده هزار تن غله را از مرزهای ایران خارج کردند (ذوقی، ۱۳۶۸، ص ۷۱). انگلیسی‌ها برای این‌که ذهنیت منفی ایرانیان از دزدی گندم را بزدایند، از همکاری خود در حمل گندم همدان و بارگیری گندم در کامیون‌های ارتش انگلیس برای حمل به راه‌آهن و توزیع در تهران و دیگر شهرها فیلم می‌گرفتند و پخش می‌کردند تا شایعات مربوط به بردن گندم به خارج از کشور را خنثی کنند (مجد، ۱۳۹۵، ص ۷۳۶).

کمبود وسایل حمل‌ونقل و قطع ارتباط بین روستاها و شهر به دلیل گسترش ناامنی در زمان اشغال منطقه و بودن اختیار راه‌های ارتباطی روستاها و شهر در دست نیروهای متفقین در ارسال دیر هنگام گندم بی‌تأثیر نبود. با تأسیس شرکت حمل‌ونقل ازسوی نیروهای انگلیس و آمریکا در منطقه اغلب خودروهایی حمل گندم در اختیار این شرکت‌های حمل‌ونقل قرار گرفتند و رانندگان ایرانی به استخدام آن‌ها درآمدند. آن‌ها نزدیک به ۷۵ درصد شبکه حمل و توزیع و نیمی از کامیون‌های دولتی را در اختیار خود گرفتند (احمدی و صادقی، ۱۳۹۲، ص ۱۱). نیروهای متفقین پس از ورود به همدان برخی از زمین‌های زیر کشت را به تصاحب خود درآوردند و در نقاط ورودی شهر در اطراف زمین‌های کشاورزی روستاها مراکز نظامی خود را مستقر کردند. با این اقدام انجام امور زراعت در محدوده نظامی متفقین که منطقه وسیعی را شامل می‌شد تا پایان جنگ و ترک این اراضی مقدور نشد.

این عوامل تأثیرگذار در کمبود گندم و نان به هیجان و شورش در شهر، و ازدحام در مقابل نانوایی‌ها و حمله به اداره دارایی و انبارهای گندم منجر شد. ارسال گزارش‌های متعدد دولتی از شدت بحران کمبود نان در همدان حکایت دارد. گزارش فرمانداری همدان به وزارت کشور در مورخ ۱۳۲۰/۸/۲۹ معلوم می‌دارد که همدان خیلی زودتر از دیگر شهرها و به فاصله دو ماه بعد از آمدن قوای متفقین به این شهر به بحران نان وارد شده و در پی آن زدو خورد خونین رخ داده‌است. در روز ۲۸ آبان ۱۳۲۰ جمعی از مردم شهر



به سمت قلعه کهنه و اداره دارایی حرکت می‌کنند و در راه با اتومبیل‌های سربازان انگلیسی مواجه می‌شوند و شروع می‌کنند به سنگ‌اندازی که سنگی به پیشانی یکی از شوferها برخورد می‌کند و در نتیجه اتومبیل منحرف می‌شود و در گودالی سقوط می‌کند. همان موقع جمعیت هجوم می‌آورند و سربازان تیراندازی می‌کنند. در این موقع رئیس شهربانی سر می‌رسد و جلو سربازان می‌رود و آن‌ها را به ترک تیراندازی دعوت می‌کند و خود به میان جمعیت می‌رود و آن‌ها را از این عمل سرزنش می‌کند. جمعیت پراکنده می‌شوند و نزدیک ظهر تقریباً اجتماع آن‌ها به هم می‌خورد (ساکما، ۲۹۳/۰۰۳۲۹۲/۰۰۰۴). تعداد تلفات این واقعه به روایتی شش نفر (سه نفر مقتول، سه نفر مجروح) (قطبی، ۱۳۸۹، ص ۵۸) و در روایت دیگر چهار کشته از اهالی گزارش شده است (ساکما، ۲۹۳/۰۰۳۲۹۲/۰۰۱۰).

فرماندار همدان این غائله را به برخی ولگرد، و بی‌کار و بی‌خانمان ربط می‌دهد که تعداد آن‌ها در شهر با آمدن فصل زمستان و گرانی خواربار روبه‌افزایش است و ممکن است باز هیجان ایجاد کنند (ساکما، ۲۹۳/۰۰۳۲۹۲/۰۰۰۵). البته در شرایط سخت تهیه نان برای مردم، دولت به جای رفع مشکل و قصور خود نانوایی‌های شهر را مقصر اصلی می‌دانست که اغلب مواد مختلف را با آرد مخلوط می‌کنند و یا گران‌فروشی و کم‌فروشی می‌کنند (ساکما، ۲۹۰/۰۰۸۳۶۲/۰۰۰۵). برای آن‌که نانوایان شهر از تقلب و تخلف دست بردارند مقرر شد از هر نانوای پنج هزار ریال وثیقه در صندوق شهرداری نگهداری شود تا در صورت ادامه تقلب علاوه بر اینکه ودیعه آنان به نفع شهرداری بایگانی و به مصرف امور خیریه برسد، پروانه آنان نیز اخذ و به دیگران واگذار شود (ساکما، ۲۹۰/۰۰۸۳۶۲/۰۰۰۵). در این ارتباط برای جلوگیری از سوءاستفاده نانوایان از تفاوت نرخ آرد دولتی با آزاد و ممانعت از هجوم روستائیان (که خود سهمیه آرد و گندم داشتند) به شهر برای تهیه نان، مقرر شد تا بین مردم شهر کوپن نان توزیع شود (روزنامه اطلاعات، ش ۴۹۸۶، ص ۴). در نهایت برای این‌که به همه مردم نان برسد نان را کوپنی کردند و درازاء تحویل کوپن، نان به مردم می‌دادند. «دو نوع نان در آن زمان تحویل مردم می‌شد. یکی خاصه و یکی هم کوپنی که بسیار نان بدی بود که می‌گفتند هسته خرما است. نان‌های خاصه نانی بود که می‌شد بخوری، البته گران‌تر بود و نان کوپنی که بسیار سیاه بود و بد و نامرغوب که عوام‌الناس اکثراً می‌خریدند و به ناچار آن را می‌خوردند» (غلام‌حسین زنگنه، مصاحبه، ۱۳۷۹/۱۱/۵). در راهکار دیگر مقرر شد بر کار نانوایی‌های شهر بیشتر نظارت شود و معتمدان شهر بر تولید و توزیع نان نظارت کنند (آبادیان، ۱۳۹۰، ص ۹). با اجرای این طرح‌ها هرچند مشکل تهیه نان موقتاً حل می‌شد، ولی تا پایان نیافتن اشغال شهر، بعد از مدتی دوباره مردم با مشکل تهیه نان و کمبود آن مواجه می‌شدند.

۴. افزایش ناامنی در منطقه

یکی دیگر از پیامدهای اجتماعی جنگ جهانی دوم در همدان، ناامنی و افزایش نارضایتی مردم از عواقب آن بود. ناامنی در نگاه اول حاصل رفت‌وآمد نیروهای متفقین و نقش آن‌ها در ناامن کردن منطقه و مشارکتشان در برخی از هرج‌ومرج‌های شهری و روستایی، و ناکارایی نیروهای انتظامی بود (که در زمان اشغال همدان دیگر توان برقراری امنیت در منطقه را نداشتند و دائماً از کمبود نیرو گله داشتند و برای افزایش نیرو و حقوق تقاضا می‌کردند) (احمدی، ۱۳۷۴، ص ۵۷). این ناامنی در نگاه دوم به بی‌تفاوتی حکومت محلی که مدیریت منطقه را به اشغالگران واگذار کرده بود و آزادی اشرار و غارت‌گران از زندان که در حال پرسه‌زدن در شهر و راه‌ها بودند، برمی‌گشت. گاهی همین اشرار و دزدان با هدایت و حمایت نیروهای متفقین و یا خوانین منطقه چپاول و دزدی می‌کردند و در این کار برخی اوقات با مأموران انتظامی هم‌دست می‌شدند. رواج غارت و چپاول در روستاها و بین عشایر منطقه، دزدی و راهزنی کالاهای تجاری و حتی دستبرد به اموال نیروهای متفقین برای به‌دست‌آوردن مواد غذایی و تسلیحات نظامی، دستبرد به دکاکین و منازل به‌ویژه منازل متمولین شهر از مصادیق ناامنی بود که با گسترش آن، آسایش و آرامش از منطقه رخت برپست و نارضایتی مردم روبه‌افزایش نهاد. گسترش فقر و گرسنگی ناامنی را تشدید و تأثیرات آن را عمیق‌تر کرد. در دوره جنگ، دزدی در شهر زیاد شد و نیروهای انتظامی توان جلوگیری از دزدی و غارت را نداشتند. در دی ۱۳۲۰ چند نفر دزد از پشت‌بام به یکی از کاروان‌سراهای معروف همدان رفتند و به چند حجره دستبرد زدند (روزنامه اطلاعات، ش ۴۷۶۶، ص ۱). اخبار نشریات این دوران هم از دزدی و سرقت خبر می‌دهند: «ده هزار لوله تریاک از اداره دارایی اقتصادی همدان سرقت شده است» (روزنامه اطلاعات، ش ۴۸۳۴، ص ۱). در این زمان اموال و دارایی زیادی از مردم به‌غارت رفت و تعداد زیادی بر اثر همین بی‌نظمی و ناامنی جان خود را از دست دادند. تلاش نکردن حکومت مرکزی برای جلوگیری از دزدی و ناامنی باعث گسترش عملیات غارتگران و گستاخی آن‌ها می‌شد. گاهی بی‌نظمی و اغتشاش به‌حدی می‌رسید که خود مردم و افراد لوطی و گروه‌های خودجوش، مأمور انتظام و امنیت محلات شهر می‌شدند و با افراد برهم‌زننده نظم شهر مبارزه می‌کردند. در این زمان با شکل‌گیری زدوخوردهای عمومی آمار مراجعه به بیمارستان‌ها بر اثر مجروحیت با چاقو ماهیانه به ۳۰ الی ۴۰ نفر افزایش یافت (آرشیو دیجیتال کشور قطر، ۱۲/۳۶۸۵/۰۰۱۰).

در برخی از دزدی‌ها خود کارکنان ادارات و مأموران انتظامی هم‌دستی داشتند و این کارها با حمایت آن‌ها انجام می‌شد: «به‌همت دیوان کیفری کارمندان دولت، شاه‌رخ



رئیس اداره آگاهی شهربانی همدان و یکی از کارمندان آن اداره به اتهام هم‌دستی با سارقین دستگیر شده‌اند. از قرار معلوم در طی دو ساله اخیر این دو نفر با سارقین در دزدی‌ها و ایجاد بی‌نظمی در شهر مشارکت داشته‌اند» (روزنامه اطلاعات، ش ۴۹۳۱، ص ۱). طبق گزارش فرمانداری همدان علاوه بر این افراد، عده زیادی از کارکنان اداره خواربار همدان هم به جرم ارتشاء دستگیر و بازجویی شدند (ساکما، ۲۵/۰۰۱۶۱۲/۰۰۲۴). با این که در این ایام دزدی و غارت بیشتر از گذشته شده بود و اغلب پیگیری‌های مأموران شهربانی به نتیجه نمی‌رسید و مردم چندان به کار آن‌ها امیدوار نبودند، ولی دستگیری این افراد موجب خوش‌وقتی عموم مردم می‌شد (روزنامه اطلاعات، ش ۴۹۴۴، ص ۱). معاون کنسول انگلیس در همدان در یادداشت‌های ماهانه خود علاوه بر ذکر کاهش امنیت شهر بهبود آن را به تبانی نکردن رئیس پلیس همدان با سارقان و متخلفان امنیت منوط می‌داند (آرشیو دیجیتال کشور قطر، ۱۰۰/۳۳۶۸۵/۱۲). در اوضاع بی‌سامان منطقه، گاهی خود نیروهای متفقین عامل برهم‌زدن امنیت شهر و روستاها بودند و به شرارت، دستگیری و حتی به‌یغما بردن اموال و محصولات منطقه دست می‌زدند. در برخی مواقع آن‌ها اشرار منطقه را زیر چتر حمایت خود قرار می‌دادند تا به اهداف خود برسند. با وجود این که در زمان جنگ راه‌های ارتباطی در اختیار متفقین بود، ولی اشرار و غارت‌گران به راحتی در این راه‌ها حضور داشتند و اموال مردم و حتی اموال دولت را غارت می‌کردند. «سیمون» جاسوس انگلیس در همدان با ارباب و تهدید انبارهای گندم را به اجبار از صاحبان آن‌ها مصادره می‌کرد، در حالی که شهر با کمبود گندم روبه‌رو بود.

حضور نیروهای آمریکایی هم برای مردم منطقه بی‌دردسر نبود. گزارش ژاندارمری همدان به ژاندارمری کل کشور از برخورد خودرویی نیروهای آمریکایی با شخصی روستایی و درگذشت او خبر داده است (ساکما، ۱۲/۰۰۳۲۹۱/۰۰۲۹۳). حتی مأموران دولتی هم در مقابل این سیاست برهم‌زنی نظم عمومی توسط نیروهای متفقین یارای برخورد و مقابله نداشتند. دسته‌ای از نیروهای انگلیس به مهمان‌خانه‌ای در شهر می‌روند و علاوه بر کتک‌زدن کارگر آن، اموال مهمان‌خانه را چپاول می‌کنند، بدون این کسی پیگیر این تعدی آن‌ها باشد. جالب آن که صاحب مهمان‌خانه نه تنها با شکایت به حق ضایع شده خود نمی‌رسد، بلکه نیروهای انگلیسی او را به جرم مخالفت با خود دستگیر می‌کنند (ساکما، ۱۴/۰۰۳۲۹۱/۰۰۲۹۳).

۵. برخورد با مخالفان متفقین

در زمان تسلط قوای انگلیس در همدان عده زیادی از مردم شهر دستگیر و یا تبعید شدند. هر کس که علیه نیروهای انگلیس در شهر اقدامی انجام می‌داد و یا به طرف‌داری از آلمان‌ها متهم

می شد، دستگیر و زندانی می شد. مخالفت افراد عادی و اظهار نظر چند کلمه‌ای علیه متفقین و له متحدین هم می توانست موجب بازداشت آن‌ها شود. به غیر از یک نفر از دستگیر شدگان که به اتهام طرف‌داری از آلمان تبعید شد، مابقی کسانی که دستگیر و یا تبعید می شدند، چهره سیاسی معروف و مبارزی علیه حکومت و نیروهای متفقین نبودند. اکثر افراد دستگیر شده در زمان اشغال شهر فاقد ثروت و املاک و ضیاع بودند که انگلیسی‌ها به اموال آن‌ها چشم طمع داشته باشند و حتی بدون پایگاه اجتماعی بودند که نیروهای انگلیسی از جایگاه و موقعیت آن‌ها و اهمیت‌ای داشته باشند. اغلب اینان شغل‌های خدماتی، اداری و کارگری داشتند. در میان این افراد دبیر، نانوا، کارمند، کارگر و مسافر خانه‌دار وجود داشت. هم‌چنین این افراد هیچ‌گونه سوابق سیاسی و یا وابستگی به گروه و یا حزب سیاسی نداشتند و از سوی هیچ گروهی هم حمایت نمی شدند. دلیل دستگیری تمامی این افراد به نظر می رسد به سیاست غیرمستقیم انگلیسی‌ها در همدان مربوط بوده باشد. انگلیس با هدف اجرای سیاست ارعاب و تهدید و افزایش قدرت خود در اداره شهر و جلوگیری از شکل گرفتن مخالفت‌های مردمی، این افراد را دستگیر و تبعید می کرد. یکی دیگر از اقدامات نیروهای انگلیسی در راستای این سیاست، گماشتن افراد نظامی در کنسول‌گری همدان و انتصاب این افراد به عنوان معاون کنسول همدان بود. تا قبل از اشغال شهر این‌گونه انتصابات سابقه چندانی نداشت و اغلب اعضای کنسول‌گری همدان سوابق دیپلماتیک داشتند. دستگیری و تبعید مخالفان حضور نیروهای متفقین در زمان تصدی این افراد نظامی در شهر تشدید شد. برخی از اسناد انگلیس از انتصاب و آمدورفت افراد متعدد نظامی در رأس کنسول‌گری همدان در دوران جنگ حکایت دارد (آرشیو دیجیتال کشور قطر، ۱۲/۳۳۸۵/۰۰۲۳). در سال ۱۹۴۲ م کاپیتان «جانسون»^۱ عهده‌دار امور کنسول‌گری همدان شد (آرشیو دیجیتال کشور قطر، ۱۲/۳۳۸۵/۰۰۲۵). بعد از او کلنل «جی. آر. هابینز»^۲ در سال ۱۹۴۳ م به معاونت کنسول همدان منصوب شد. بیشترین تعداد دستگیری‌ها و تبعید افراد در زمان این افسر انگلیسی اتفاق افتاد. در سال بعد فرد نظامی دیگری به نام «جی. ای. دیث»^۳ عهده‌دار امور شد که به دلیل بیماری در سال ۱۹۴۴ م تا بهبود وضعیتش کاپیتان «بی. ای. ال. تامست»^۴ معاون کنسول همدان شد (آرشیو دیجیتال کشور قطر، ۱۲/۳۳۸۵/۰۰۰۹). در جریان دستگیری و تبعید مخالفان متفقین در همدان آنچه بیش از همه جالب به نظر می آمد واکنش و عملکرد دولت ایران بود که بدون هیچ‌گونه دلیلی این افراد را دستگیر و زندانی می کرد. متفقین در جریان دستگیری و تبعید افراد هیچ سند و مدرکی دال بر اتهام افراد به خود آن‌ها و یا دولت ایران ارائه نمی دادند. باین که دستگیری افراد با مخالفت آمریکایی‌ها مواجه شده بود، ولی انگلیسی‌ها تا پایان اشغال همدان به این روند ادامه دادند و افراد زیادی را دستگیر و تبعید کردند.

1. Johnson.
2. J. R. Habbins.
3. J.E. Daeth
4. B.A.L. Thomsett.



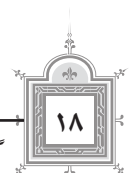
در گزارش شهربانی همدان از فردی به نام «فرهاد سرکانی» یاد شده که نانو بوده است و در محل کارش حرفی در انتقاد از انگلیسی‌ها زده بوده است. او به درخواست «هابینز» معاون کنسول همدان و رابط قشون انگلیس در همدان بازداشت شد (قطبی، ۱۳۸۹، ص ۱۳۷). بهانه دستگیری او تبلیغ دروغ علیه ایران و متفقین ذکر شد؛ ولی دلیل اصلی این دستگیری ترس از نفوذ او در بین نانوها برای ایجاد هیاهو ضد منافع انگلیس در شهر بود. از سوی دولت ایران جرم او «عاملیت در شورش مردم، گران کردن نان و مخالفت با گرانی قیمت گندم اعلام شده است» (ساکما، ۲۹۳/۰۰۳۲۹۲/۰۰۱۰). در مورد دیگر شهربانی کشور از شهربانی همدان می‌خواهد که به درخواست نظامیان انگلیسی فردی به نام «علی اصغر اصال‌لو» را دستگیر کنند (قطبی، ۱۳۸۹، ص ۱۴۰). این فرد نیروی پیشین شهربانی کرمانشاه بود که توسط شهربانی همدان دستگیر و زندانی شد. جالب آن است که با وجود مکاتبات متعدد و استعلام درباره علت بازداشت این فرد کسی علت بازداشت او را نمی‌دانست. او در مهرماه ۱۳۲۱ به قید کفالت آزاد شد تا خود را به سفارت انگلیس در تهران معرفی کند. در پی آن کنسول یار انگلیس در همدان از شهربانی خواست که زندانیان سیاسی امثال اصال‌لو را تحت مراقبت بیشتری قرار دهند (ساکما، ۲۹۰/۰۰۳۳۰۸/۰۰۰۶). در گزارش دیگری از فرمانداری همدان به وزارت کشور معلوم می‌شود که به درخواست کنسول انگلیس سه نفر از اهالی همدان به نام‌های محمد شریفی، غلام‌حسین شریفی، محمدعلی نجیب بدون دلیل در زندان شهربانی بازداشت هستند. فرماندار ضمن کسب تکلیف از آن بیم دارد که از طرف دادگستری ایراد گرفته شود و آن‌ها نتوانند دلیل بازداشت این افراد را بیان کنند (قطبی، ۱۳۸۹، ص ۱۴۶). علت دستگیری این افراد این بیان شده بود: «شرکت در تحریکات منجر به شورش آبان‌ماه [۱۳۲۱] و تشکیل اجتماعات طرفداران آلمان در منزل که در آن اجتماعات تبلیغاتی علیه متفقین موردشور قرار گرفته و بعداً در بین اهالی شهر منتشر می‌شد» (ساکما، ۲۹۰/۰۰۳۳۰۸/۰۰۰۸).

از دیگر دستگیرشدگان این دوران «محمد زمان»، «عباس خزانلی کرد» و «سیدهاشم فیض» بودند. مأمور انگلیسی از فرماندار همدان می‌خواهد که عباس خزانلی کرد را -که با جونسون انگلیسی سابقه شناسایی دارد و با سوءاستفاده از نام مأموران دولت انگلیس در همدان رشوه می‌گرفته است- برای مدتی زندانی و از همدان اخراج کند (ساکما، ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۰۷). «مفتون» شاعر همدانی هم به اتهام طرف‌داری از آلمان و فعالیت برای آن‌ها بازداشت و به روستای سوزان^۱ تبعید شد. او اوضاع شهریور ۱۳۲۰ و تبعید خود را به زبان شعر به تصویر کشیده است (مفتون همدانی، ۱۳۷۸، ص ۱۲۶).

۱. از توابع درجین همدان.

۶. مهاجرت و گسست اجتماعی

در زمان جنگ جهانی دوم مسیر مهاجرت و گونه‌های آن به چند شکل خود را در منطقه نشان داد. برخی از مهاجرت‌ها دائمی و برخی موقتی بود. برخی جابه‌جایی‌ها درون منطقه‌ای و برخی برون منطقه‌ای بود. علت مهاجرت ناامنی در شهر و راه‌های ارتباطی، کمبود مایحتاج، گسترش بیکاری و رکود و تورم و اشغال شهر توسط نیروهای متفقین بود. خالی شدن منطقه از نیروی انسانی و جمعیت فعال، در آینده تأثیر مخربی بر آبادانی منطقه گذاشت. پدیده مهاجرت خود به تنهایی عاملی مهم در گسست اجتماعی و طبقاتی و دگرگونی ساختار جمعیت و افزایش جمعیت شهری و خالی شدن روستاها از سکنه، ادغام خرده فرهنگ‌های ساکن در منطقه و از بین رفتن بسیاری از فرهنگ‌های بومی و سنتی بود که تاکنون منطقه را تحت الشعاع خود قرار داده‌است. سیر جابه‌جایی جمعیت منطقه در زمان جنگ جهانی دوم را در دو مسیر می‌توان مشاهده کرد: مهاجرت بیرونی؛ مهاجرت درونی. مهاجرت بیرونی در زمان جنگ شامل مهاجرت جمعیت شهری همدان به شهرهای بزرگ و پایتخت، مهاجرت روستاییان به دیگر شهرها و مهاجرت اقلیت‌های دینی به پایتخت و خارج از کشور می‌شد. علت عمده مهاجرت به شهرهای بزرگ حفظ و افزایش درآمد و ثروت در زمان اشغال شهر بود. اغلب این مهاجران سرمایه‌داران، تجار بزرگ و متمولان شهر بودند که برای حفظ و گسترش کار و فعالیت خود به شهرهای بزرگ و یا پایتخت مهاجرت می‌کردند. به محض ورود نیروهای انگلیسی عده‌ای از مردم شهر را وحشت فراگرفت و خیلی از آن‌ها به قصد رفتن به اصفهان و شهرهای جنوبی، همدان را ترک کردند (مجد، ۱۳۹۵، ص ۵۰۲). هم‌چنین در زمان اشغال منطقه جمعیت زیادی از روستاها به دیگر شهرها مهاجرت کردند. در پی اجحاف خوانین و زمین‌داران بزرگ منطقه، خشک‌سالی و کمبود محصول، تصرف زمین‌های کشاورزی توسط نیروهای متفقین و در نتیجه کم شدن زمین‌های زیر کشت و بی‌نیازی به کارگر و زارع عده زیادی به شهرهای دیگر گسیل شدند. فصلی بودن کار کشاورزی هم در این مهاجرت تأثیر عمده‌ای داشت. در زمان اشغال منطقه جمعیت زیادی از روستاییان منطقه در دیگر نقاط به کار مشغول شدند. در این نوع مهاجرت علاوه بر دستیابی به فرصت‌ها و شرایط بهتر اقتصادی، رهایی از مخاطرات جنگ نیز مدنظر افراد مهاجر بود (نقدی، ۱۳۷۴، ص ۸۷). وقوع جنگ در خروج جمعیت زیادی از اقلیت‌های دینی مقیم شهر بی‌تأثیر نبود. هرچند روند کوچ اقلیت‌های دینی به دلیل موانع حکومت در باب فعالیت اقتصادی و آموزشی آن‌ها از زمان به حکومت رسیدن رضاشاه شروع شده بود، ولی جنگ این مهاجرت را تسریع کرد. در این زمان جمعیت زیادی از اقلیت‌های دینی همدان به تهران و در مرحله بعد به خارج از کشور



مهاجرت کردند. این روند در میان یهودیان شهر بیشتر و در بین ارامنه و مسیحیان کمتر بود. در ترک خانواده‌های ارمنی از همدان به قصد تهران و ارمنستان، روس‌ها تلاش زیادی داشتند (آرشیو دیجیتال کشور قطر، ۱۲/۳۶۸۵/۰۰۱۲). این مهاجرت و کم شدن جمعیت اقلیت‌های مذهبی علل سیاسی، اقتصادی و دینی داشت (نغزگوی کهن، ۱۳۸۷، ص ۱۴۰). مهاجرت درونی در زمان جنگ شامل مهاجرت روستاییان به همدان، مهاجرت از دیگر شهرها به همدان و مهاجرت موقت ساکنان همدان به روستاها می‌شد. در این زمان جابه‌جایی جمعیت به تدریج از روستاها به شهرها و با سرعت بیشتری از شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ جریان داشت و در نتیجه آن جمعیت شهری روبه‌افزایش گذاشت (کاتوزیان، ۱۳۷۹، ص ۴۴۲). از بین رفتن زمین‌های حاصلخیز در جنگ و بیکاری زارعان به ناچار آن‌ها را به ترک زراعت و تخلیه روستاها و مهاجرت به شهر و روی آوردن به کارهای عملگی، دست‌فروشی، دوره‌گردی و گدایی، و بیکاری درازا گرفتار حقوق از نیروهای متفقین مجبور کرد. همان‌گونه که جمعیت روستاها کم می‌شد اقامت در مناطق حاشیه شهر بیشتر می‌شد و جمعیت کارگری در مقابل جمعیت دهقانی افزایش می‌یافت. مهاجرت از روستاها به شهر در دوران جنگ جهانی دوم در همدان شتاب گرفت و علت آن «کشاورزی و بازرگانی» بود؛ چون اگر محصولی هم در روستا تولید می‌شد به دلیل «مسدود بودن راه تجارت» ثمری نداشت (اسنادی از مهاجرت داخلی در ایران، ۱۳۹۰، ص ۷). این نوع از مهاجرت باعث تغییر ساختار جمعیت منطقه شد و اثراتی مثبت و منفی در جامعه شهری و روستایی به‌بار آورد و سبب دگرگونی اساسی در فرهنگ و ساختار اجتماعی و درهم‌شدن سطوح و طبقات اجتماعی و خرده‌فرهنگ‌های منطقه و غالب شدن برخی از عناصر فرهنگی مهاجران در شهر شد. یکی دیگر از شکل‌های مهاجرت در دوران جنگ جهانی دوم در منطقه گسیل شدن جمعیت زیادی از شهرهای مجاور به همدان بود. این نوع از مهاجرت بیشتر از شهرهای غربی کشور به همدان انجام می‌شد. این افراد برای به‌دست‌آوردن شغل و امنیت بیشتر از شهرهای اشغال‌شده خود به همدان مهاجرت می‌کردند. در این نوع مهاجرت همدان نقش باراندا را داشت؛ یعنی مهاجران پس از مدتی سکونت و به‌دست‌آوردن تجربه و تاحدودی گرفتن بن‌مایه همدان را به قصد پایتخت و شهرهای بزرگ ترک می‌کردند و به نقاط دیگر می‌رفتند. این نوع مهاجرت علاوه بر شکل‌گیری ارتباطات بین فرهنگی باعث برخورد و ادغام فرهنگ‌ها و خرده‌فرهنگ‌های منطقه شد.

برای درامان ماندن از صدمات جنگ به‌ویژه بمباران و تعدیات نیروهای متفقین در شهر، خانواده‌های زیادی موقتاً از همدان به روستاهای خود مهاجرت کردند. این نوع مهاجرت قبل از حادث شدن جنگ هم در برخی مواقع به دلیل مخالفت مردم با برنامه‌های

فرهنگی و مذهبی حکومت انجام می‌شد. چنان‌که برخی از روحانیون به سبب مخالفت با حکومت همراه با خانواده‌های خود به زندگی در روستاها روی آوردند. عده‌ای هم به لحاظ اقتصادی برای درامان ماندن از گرسنگی و کمبود ارزاق در شهر به روستاها مهاجرت می‌کردند (صادقی، ۱۳۸۴، ص ۲۳). پس از پایان جنگ اغلب این مهاجران موقتی دوباره به شهر برگشتند و به ندرت در روستاهای خویش ماندگار شدند.

حاصل مهاجرت‌های مختلف در این زمان - که حادث شدن جنگ به تشدید آن کمک کرد - ایجاد گسست اجتماعی و فرهنگی و گسترش شکاف طبقاتی در بین جماعت شهری و افزایش جمعیت روستایی مهاجر در حاشیه شهر بود.

کمبودها در زمان اشغال شهر باعث تشدید حس سودجویی در بین مردم شد؛ تاجایی که دولت با صدور اطلاعیه‌ای سودجویان به ویژه محتکران را تهدید کرد: «دولت نمی‌تواند نسبت به اشخاصی که در این موقع از رحم و شفقت به هم‌نوع صرف نظر نموده و در مقام استفاده نامشروع برآیند اغماض و ارفاق نماید؛ بلکه اشد مجازات از حبس طولانی و جریمه فوق‌العاده حتی سیاست اعدام ... [برای] محتکرین اعمال خواهد شد» (ساکما، ۱۳۶۲/۰۰۸۳۶۲/۰۰۳). در ذیل این اطلاعیه دولت، از سوی فرمانداری همدان آمده است: «شایسته است آقایان مالکین مفاد دستور بالا را نصب‌العین قرار داده و بی‌جهت خود را دچار کیفر شدید و تعقیب منع احتکار ننمایند» (ساکما، ۱۳۶۲/۰۰۸۳۶۲/۰۰۳).

فرهنگ بومی و سنتی موجود در پی مهاجرت‌ها و آمدورفت اقوام و بیگانگان کم‌رنگ شد و یا از بین رفت و جای آن را فرهنگ و عناصر فرهنگی جدید گرفت. برخورد فرهنگی در پی ارتباطات قومی و خرده‌فرهنگ‌ها، پایه و اساس تغییر و تحول و دگرگونی ناخواسته را برای بافت‌های بومی و سنتی منطقه به وجود آورد و در پی آن به دگرگونی ساختارهای رسمی و غیررسمی آن منجر شد. شکاف طبقاتی در شهر روزبه‌روز بیشتر شد و باعث فاصله گرفتن مردم از یکدیگر، و افزایش عناد و ضدیت شد. این گسست اجتماعی و کم‌رنگ شدن مفاهیم پایداری و ایثار با بروز فحطی، گرانی، کمبودها و ایستادگی نکردن در مقابل نیروهای متفقین خود را نشان داد.

۷. مهاجران لهستانی در همدان

بر طبق قرارداد اولیه متفقین با ایران قرار بود فقط نیروهای نظامی لهستانی وارد ایران شوند و متفقین مایحتاج اولیه آن‌ها را تأمین کنند؛ ولی در عمل این گونه نشد و شمار زیادی از آوارگان لهستانی ساکن در اردوگاه‌های شوروی شامل زن، کودک و افراد مسن هم به



نظامیان لهستانی اضافه شدند. نخستین گروه از لهستانی‌ها در اوایل فرودین ۱۳۲۱ با چهار کشتی روسی حامل ۲۹۰۰ نفر سرباز و آواره لهستانی وارد بندر انزلی شدند تا از طریق همدان و کرمانشاه به عراق برده شوند (کریمی و دیگران، ۱۳۷۸، ص ۲۴). تعداد این مهاجران در اردیبهشت همان سال به نزدیک ۱۳ هزار نفر رسید. در جریان مهاجرت این آوارگان که تا تابستان ۱۹۴۳ م/۱۳۲۲ ش ادامه داشت، دست کم ۱۵۰ هزار نظامی و غیرنظامی لهستانی وارد ایران شدند (مجدد، ۱۳۹۵، ص ۲۳۸). به دلیل شرایط بحرانی جنگ تعدادی از این مهاجران در شهرهای ایران به کسب و کار مشغول شدند و با ایرانیان ازدواج کردند و برای همیشه در ایران ساکن شدند. برای اقامت مهاجران لهستانی اردوگاه‌هایی در شهرهای مختلف احداث شده بود و به دلیل موقعیت جغرافیایی و ارتباطی همدان اقامتگاهی هم در این شهر تعبیه شده بود که بیشتر به مهاجران لهستانی اختصاص داشت که پس از بهبود و استراحت از این شهر به عراق اعزام می‌شدند تا در جبهه‌های جنگ اروپا به نبرد مشغول شوند. علاوه بر نظامیان و سربازان، عده زیادی از زنان و کودکان لهستانی تبعیدی ساکن قزوین و تهران هم به همدان منتقل شدند. برخی از این جمعیت پس از اقامت موقت، دوباره در فرصتی مناسب به دیگر شهرها مثل تهران و اصفهان گسیل شدند و برخی در همان زمان به قصد جنگ به عراق و آفریقای جنوبی اعزام شدند و یا پس از به دست آوردن نیروی ازدست‌رفته برای پیوستن به ارتش آزادی‌بخش لهستان، از طریق همدان ایران را ترک کردند^۱ (بیات، ۱۳۷۴، ص ۷۲). «سر کلارمونت اسکرین»^۲ سرکنسول انگلیس در مشهد آورده است: برخی [از مهاجران] از طریق خشکی با اتوبوس به تهران و همدان و از آنجا به بغداد گسیل می‌شدند (اسکرین، ۱۳۷۰، ص ۳۲۷). با وجود این که اردوگاه همدان موقعیت نظامی داشت و محل اقامت موقت نیروهای نظامی لهستانی و اسراء نظامی بود، ولی باین حال تعدادی از خانواده‌های لهستانی از زمان جنگ در همدان مقیم شدند و خانواده تشکیل دادند و به کارهای خدماتی مشغول شدند. همدانی‌ها به این افراد ارمنی و روسی می‌گفتند. چندین نفر از افراد صاحب نفوذ و متمکن شهر هم با برخی از زنان لهستانی ازدواج کردند که در حال حاضر فرزندان آن‌ها در همدان زندگی می‌کنند. برخی از مردان لهستانی مقیم شهر در میدان اصلی شهر به کار دوخت کفش لاستیکی - که از لاستیک ماشین درست می‌شد - اشتغال داشتند و از این طریق امرارمعاش می‌کردند (پرویز اذکایی، مصاحبه، ۱۳۹۸/۸/۲۵). وجود مدارس و مراکز مذهبی مسیحیان، برای اقامت مهاجران لهستانی در همدان بی‌تأثیر نبود. اغلب این مهاجران در شیرخوارگاه‌ها و مراکز نگهداری کودکان و در کارهای خدماتی در بیمارستان‌ها فعالیت داشتند. تأثیرات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی این مهاجران در همدان از دیگر شهرهای ایران چون اصفهان و

۱. عده‌ای از این افراد به آندرس کمونی در شمال فرانسه اعزام شدند.

2. Sir Klaromont Screen



تهران کمتر بود. آن‌ها پس از بهبود اوضاعشان، در کنار کارهای خدماتی به تأسیس مراکز آموزشی و فرهنگی چون آموزشگاه صنایع دستی، مدرسه، نشریه، رادیو، و تولید نمایش هم در شهرهای مذکور اقدام کردند که علاوه بر کسب درآمد توانستند جمعیت زیادی را هم جذب فعالیت و آموزش‌های خود کنند (بهشتی سرشت و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۵۵).

در گزارش فرماندار قزوین آمار ورود برخی از مهاجران لهستانی به همدان شامل افسر، سرباز، زن و مرد و بچه ذکر شده است. برحسب این گزارش طی دو ماه جمعیت زیادی از آن‌ها به همدان آورده شدند. تعداد این افراد در روزهای اول کمتر بود و هرچه زمان می‌گذشت بر تعداد آن‌ها افزوده می‌شد. طبق گزارش مذکور از تاریخ ۱۳۲۱/۳/۱۵ تا ۱۳۲۱/۳/۲۳ تعداد ۱۴ نفر از مهاجران از قزوین به همدان اعزام شدند. در روز ۱۳۲۱/۳/۲۹ این آمار به ۱۷۴ نفر رسید. در ۳ و ۴ تیرماه ۱۷۷ نفر و در روز ۱۳۲۱/۴/۸ تعداد ۲۲۷ نفر از قزوین به همدان آورده شدند (اسنادی از اشغال ایران در جنگ جهانی دوم، ج ۲، ۱۳۸۹، ص ۳۶۶). حضور اسرای لهستانی در همدان به کمبود ارزاق، شیوع بیماری‌های عفونی چون تیفوئید و تیفوس، و کمبود دارو و امکانات درمانی دامن زد و مدت زیادی شهر را تحت تأثیر خود قرار داد.

یکی از پیامدهای حضور لهستانی‌ها در ایران، شیوع بیماری تیفوس بود که شهرهای مختلف ایران را فراگرفت و باعث از بین رفتن جمعیت زیادی از ایرانیان شد. علت شیوع این بیماری آن بود که روس‌ها برخی از لباس‌های آلوده اسراء لهستانی و سربازان مهاجر را به مبلغی ناچیز به ایرانیان بی‌بضاعت می‌فروختند که همین عامل باعث گسترش این بیماری بین ایرانیان شد (اسناد وزارت امور خارجه، ۱۳۲۱/۲۴/۲). زنان لهستانی هم پس از آنکه وارد ایران شدند چون در وضع اسفناکی به سر می‌بردند و اغلبشان بسیار کثیف بودند و به شپش آلوده بودند، باعث بروز همه‌گیری بیماری تیفوس شدند (بولارد و اسکرابین، ۱۳۳۳، ص ۹۷). در پی گسترش بیماری تیفوس، دولت برای جلوگیری از شیوع بیشتر آن در اواخر سال ۱۳۲۱ اعلام کرد که تیفوس به صورت اپیدمی درآمده است و مدارس را مدتی تعطیل کرد. طبق گزارش‌ها، در حدود ۳۰۰ هزار ایرانی در سال ۱۹۴۳/م ۱۳۲۲ ش بر اثر شیوع تیفوس جان خود را از دست داده‌اند (مجد، ۱۳۹۵، ص ۶۳۹). مرکز اطلاعات مشترک عراق در هفته منتهی به ۱۵ فوریه ۱۹۴۴/۲۵ بهمن ۱۳۲۲ ضمن گزارش از اوضاع آرام همدان، از شیوع بیماری تیفوس در زندان همدان و گسترش آن بین زندانیان خبر می‌دهد: «به علت تراکم شدید جمعیت در زندان شهر، بیماری تیفوس در میان زندانیان شیوع پیدا کرد. اکثر آن‌ها را به زندان دیگری منتقل کرده‌اند، ولی ظاهراً وضعیت این بخت‌برگشته‌ها بدتر از قبل شده است؛ زیرا می‌گویند زندان جدید به علت رطوبت و فقدان تهویه، وضعی به مراتب بدتر از زندان قبلی دارد» (مجد، ۱۳۹۵، ص ۶۴۵). روزنامه اطلاعات در مطلبی



در سال ۱۳۲۲ ش به اوضاع نامناسب همدان از شیوع تیفوس در سال گذشته اشاره دارد: زمستان سال گذشته [۱۳۲۱ ش] همدان از تیفوس و تیفوئید تلفات زیادی داد و متأسفانه به دلیل نبود پیش‌بینی‌های لازم وسیله مبارزه هم [فراهم] نبود (روزنامه اطلاعات، ش ۵۳۰۸، ص ۳). شرایط غیربهداشتی حاکم بر شهر در این دوران هم چنین باعث شد تا بیماری «تب عودکننده» هم در همدان شایع شود و مردم مدتی هم با این بیماری درگیر شوند (آرشیو دیجیتال کشور قطر، ۱۲/۳۳۸۵/۰۰۵۸).

از دیگر تأثیرات ورود آوارگان لهستانی، کمبود امکانات درمانی و دارو بود. به دلیل ناکافی بودن امکانات درمانی و پزشکی و ناکارآمدی کادر درمان جمعیت زیادی از مردم به بیماری‌های مذکور مبتلا شدند و عده زیادی از این مبتلایان از بین رفتند. به دلیل پاسخ‌گونی نبودن بیمارستان‌ها و مراکز درمانی، جمعیت زیادی از این مبتلایان در محلات و خانه‌های شهر و روستاها رها شده بودند.

تا سال ۱۳۲۰ ش چندین مرکز درمانی و بیمارستان در همدان فعال بودند که توسط میسیونرهای خارجی، دولت و افراد خیر و متمول شهر ساخت شده بودند. اولین مرکز درمانی نوین در همدان بیمارستان آمریکایی‌ها بود که در زمان جنگ و اشغال همدان به بیمارستان آمریکایی‌ها و در زمان پهلوی دوم بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به بیمارستان مسیحی‌ها معروف بود. اولین قدم برای احداث این بیمارستان را جیمز هاکس از میسیونرهای آمریکایی مقیم همدان برداشت. در زمان اشغال همدان این بیمارستان را نیروهای نظامی آمریکایی اداره می‌کردند. این مکان یکی از مراکز استقرار فرماندهان آمریکایی و مرکز پشتیبانی و درمان نیروهای متفقین و مجروحان بمباران‌های شهر بود و هم‌چنین مکانی برای کمک‌های آمریکایی‌ها به فقرا و خسارت‌دیدگان جنگ و نگهداری از آن‌ها محسوب می‌شد.

گسترش بیماری‌های عفونی به افزایش تقاضا و کمبود دارو در همدان منجر شده بود. توزیع دارو در بازار سیاه و با قیمت‌های چندبرابری -که همگان توان تهیه آن را نداشتند- دلیلی بر شیوع بیشتر بیماری شد. به سبب شرایط جنگی ورود اغلب داروهای بیماری‌های عفونی از کشورهای اروپایی به ایران متوقف شد. این کمبود دارو سبب تلف شدن جمعیت بیشتری از شهر و روستاهای منطقه شد. «گرانی دارو به جایی رسید که یک نسخه ۲ ریالی قبل از جنگ، در این دوره شیوع بیماری به قیمت ۸ تومان از سوی داروخانه‌دار تحویل می‌گردید» (روزنامه پارس، ۱۳۲۲، ش ۱۰۳). هم‌چنین در گزارشی از گرانی دارو در همدان آمده است: «بهای دارو بی‌اندازه ترقی نموده و اهالی مخصوصاً طبقه سوم و چهارم در زحمت هستند» (روزنامه اطلاعات، ش ۴۷۶۳، ص ۱).

1. James Hawkes



۸. تشدید حس بیگانه‌ستیزی و همگرایی اجتماعی

حس بیگانه‌ستیزی و مقاومت مردمی در مقابل نیروهای متفقین و همگرایی و مشارکت اجتماعی از پیامدهای مثبت جنگ جهانی دوم در همدان محسوب می‌شد. شرایط خاص جنگ و اشغال شهر باعث تشدید این ستیزه‌گری و همگرایی در بین تمامی طبقات اجتماعی شهر شد و بسیج مردمی در دوران ناامیدی، ناامنی، قحطی و گرسنگی به کمک آسیب‌دیدگان و افراد بی‌بضاعت شتافت و مانع هرگونه همکاری و ارتباط مردم شهر با بیگانگان شد. به‌همت مدیران و اولیاء دانش‌آموزان مدرسه آلیانس ۲۵۰ دست لباس (۱۸۰ دست پسرانه و ۷۰ دست دخترانه) تهیه و بین دانش‌آموزان بی‌بضاعت تقسیم شد (روزنامه اطلاعات، ش ۴۵۲۲، ص ۸). باین‌که مردم توان آن را نداشتند که در مقابل نیروهای متفقین مقاومت کنند، ولی با همگرایی و مشارکت اجتماعی تفرشان را از اقدامات ویران‌کننده متفقین و مخالفتشان را با هرگونه مداخله و فعالیت آن‌ها بروز می‌دادند. انزجار و بیزاری ایرانیان از انگلیس و شوروی سابقه‌ای طولانی داشت؛ ولی اثرات سوء سیاسی، اجتماعی و اقتصادی اقدامات نیروهای متفقین در کشور این حس بیگانه‌ستیزی را تشدید کرد. اغلب مردم ایران گرفتاری‌های پیش‌آمده از جنگ جهانی دوم را به عملکرد نیروهای متفقین ارتباط می‌دادند و همیشه در حال اعتراض به وضع نامناسب خود بودند. خود انگلیسی‌ها هم به این انزجار و تنفر ایرانیان اعتراف داشتند. ریدر بولارد^۱ سفیر انگلیس در ایران هم به این تنفر ایرانیان از انگلیس اشاره دارد و هشدار می‌دهد که انگلیس به‌شدت محبوبیت خود را در ایران از دست داده‌است و انگلیسی‌ها روزبه‌روز بیشتر موردانزجار ایرانیان قرار می‌گیرند (ذوقی، ۱۳۹۵/۱۰/۵). در یادداشت‌های مأموری انگلیسی^۲ هم آمده‌است: «شکی نیست که ما به‌هیچ‌وجه در سیاست خود که ارسال حداکثر میزان تدارکات به شوروی است تغییری نخواهیم داد؛ بنابراین کمبود در ایران ادامه خواهد داشت و تنفر و انزجار از ما بیشتر خواهد شد و ما هم چنان نامحبوب خواهیم ماند» (ذوقی، ۱۳۹۵/۱۰/۵). نیروهای متفقین اقدامات متعددی را برای رفع کمبودهای شهر انجام دادند تا نگاه مردم را به خود تغییر دهند؛ ولی مردم کماکان به آن‌ها اطمینان نداشتند و متفقین را مسبب وضع رقت‌بار خود قلمداد می‌کردند. نیروهای آمریکایی در بیمارستان خود به کمک افراد آسیب‌دیده می‌آمدند و بیماران را درمان می‌کردند و به آن‌ها داروی رایگان می‌دادند و میسیونرهای مذهبی با کارهای عام‌المنفعه و کمک به افراد بی‌بضاعت سعی داشتند با مردم شهر ارتباط برقرار سازند و حتی انگلیسی‌ها در زمان اشغال شهر چندین نوبت به افراد بی‌بضاعت کمک کردند و قبل از جنگ در اقدامی بی‌سابقه در دو روز چهارصد نفر دانش‌آموز بی‌بضاعت خردسال را در پرورشگاه نهار دادند (روزنامه اطلاعات، ش ۴۸۱۹، ص ۳). در اقدامی دیگر

1. Reader Bullard

۲- یادداشت‌های آقای باکستر، مورخ

۸مارس ۱۹۴۳



هم کمیته اعانه انگلیس و ایران دو هزار متر چیت از کارخانه شاهی خرید و برای توزیع بین نیازمندان به همدان ارسال کرد (روزنامه اطلاعات، ش ۵۲۷۶، ص ۱). این کمک‌ها تا زمان تخلیه شهر از طرف انگلیسی‌ها ادامه داشت و در مارس ۱۹۴۶/اسفند ۱۳۲۴ قائم مقام معاون کنسول همدان ۲۳۰۰ ریال بین محصلان دختر و پسر مدارس دولتی شهر توزیع کرد (آرشیو دیجیتال کشور قطر، ۱۲/۳۶۸۵/۰۰۹۰). ولی این اطعام و کمک به فقرا چندان زیاد نبود و بیشتر در حد تبلیغ بود و هریک از این کشورها با تبلیغات گسترده سعی داشتند نشان دهند که در کمک به نیازمندان پیشتازند (الهی، ۱۳۸۰، ص ۱۷۵). با وجود تمامی این اقدامات بیگانگان حس بیگانه‌ستیزی و عناد مردم شهر به آن‌ها کم نشد؛ بلکه در زمان جنگ شعله‌ورتر از گذشته شد. هدف عمده نیروهای متفقین در انجام برخی اقدامات عام‌المنفعه و ارسال کمک‌های موردی بیشتر بر مبنای سیاست جلوگیری از اعتراضات مردمی در شرایط سخت جنگ بود. آن‌ها برای اینکه در اشغال شهر کمتر هزینه بدهند و صدمات کمتری ببینند، برخی اوقات به این سیاست‌های عوام‌فریبانه دست می‌زدند. ولی مشکلات متعدد اقتصادی ناشی از جنگ و آسیب‌های وارده به مردم را نمی‌شد با چند نوبت کمک ناچیز جبران کرد و مردم را به خود جذب کرد.

مصادیق مقاومت و پایداری و نشانه‌های آن در قالب گروه‌های غیررسمی اجتماعی و یا اقتصادی چون اصناف، تحصیل‌کردگان، و جمعیت محلات متبلور شد. در ترکیب این ساختار غیررسمی، معتمدان، روحانیون، فرهنگیان، زنان و حتی افراد شرور شهر حضور داشتند. نهادهای صنفی بازار و صاحبان حرف هم در این تشکل‌ها نقش زیادی داشتند و حمایت مادی از برنامه‌ها را به عهده داشتند. در این ارتباط کمیته خیرین و کمک به مستمندان شهر تشکیل شد که از محل اعتبار جشن ۱۰۲۰ نفر اطعام و بیست نفر مستمند کمک نقدی شدند (روزنامه اطلاعات، ش ۵۰۳۸، ص ۱). در اقدامی دیگر، کمیته از محل وجوه موجود خود ۲۲۷ جفت کفش برای دانش‌آموزان بی‌بضاعت تهیه کرد (روزنامه اطلاعات، ش ۵۳۱۳، ص ۳). به علت اشغال شهر فعالیت‌های مردمی بیشتر از گذشته شده بود. غالب این اقدامات و واکنش‌ها بدون سازمان‌دهی قبلی انجام می‌شد. آنچه این افراد و گروه‌ها را تحت لوای مشترک در آورده بود و باعث شده بود که بدون برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی خاصی اقداماتی مؤثر انجام دهند، مقابله با اقدامات دول متفق، و وطن‌پرستی و انسان‌دوستی در شرایط سخت زندگی در دوران جنگ بود. تهییج خودجوش مردم در رقابت با یکدیگر در کمک‌رسانی و پناه‌دادن به گرفتاران از ویژگی‌های این همگرایی در زمان جنگ بود. با آن‌که این حرکات مردمی بدون مدیریت واحد و شخص خاصی بود، ولی معمولاً این مشارکت‌های اجتماعی مردم در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی با

هدایت بزرگان مذهبی و افراد صاحب نفوذ سازمان‌دهی می‌شد. با گرانی چوب و زغال در زمستان ازسوی مردم کمک‌هایی انجام شد تا فقرا که قادر نبودند سوخت تهیه کنند از نداشتن سوخت و از شدت سرما نمیرند (ساکما، ۲۴۰/۰۰۰۹۹۳/۰۱۰۰). جالب آن‌که دولت به‌جای آن‌که در فکر سوخت فقرای شهر باشد به فرمانداری همدان دستور داده بود که برای تأمین مایحتاجات متفقین چون هیزم و زغال با مأموران آن‌ها همکاری کنند (ساکما، ۲۴۰/۰۰۵۴۸۰۳/۰۰۰۸).

در زمان اشغال همدان همگرایی اجتماعی برای کمک به افراد بی‌بضاعت بیشتر ازسوی مردم شکل گرفت. این حس نوع‌دوستی چندان به کمک‌های نهادهای دولتی و بیگانه وابسته نبود. اگر هم در شرایط حاد کمکی از طرف دولت می‌شد ناچیز و موقتی بود. بیشتر فعالیت‌های مورد نیاز جامعه در قالب تشکل‌های مردمی و بدون ضوابط خاصی شکل گرفته بودند و عمده کارکرد آن‌ها در شرایط قحطی و گرسنگی و قتل و غارت جنبه عام‌المنفعه و خیرخواهانه داشت. این افراد با ارتباط‌گیری با نهادهای مذهبی شهر و افراد خیر و سرشناس و صاحب تمکن مالی در جهت رفع نیازهای نیازمندان قدم‌هایی برمی‌داشتند. «سید نصرالله بنی‌صدر از علماء همدان با موعظه و نصایح خود، توجه معتمدان همدان را جلب کرد و در حدود هشتصد هزار ریال جمع‌آوری کرد؛ خود ایشان هم یکصد و سی هزار ریال نقداً پرداخت کرد و با این پول در هشت نقطه شهر هشت باب دکان نانویی دایر کرد که در برابر کوپن‌هایی که چاپ و در بین فقرا تقسیم شده بود روزانه به هر نفر چهارصد گرم نان مناسب داده می‌شد» (روزنامه‌اطلاعات، ش ۵۱۵۲، ص ۱).
ایجاد مراکز خیریه در کمک به مردم نیازمند، تأسیس مراکز نگهداری از کودکان بی‌سرپرست و دادن آموزش‌های لازم، و دادن خدمات بهداشتی و درمانی رایگان از دیگر کارکردهای گروه‌های داوطلب بود. با توجه به شرایط جنگ آموزش، بهبود وضع بهداشتی و فعالیت‌های فرهنگی از اولویت‌های کاری این مراکز محسوب می‌شد. پناه‌دادن به مبارزان و افراد تحت تعقیب نیروهای متفقین و فراری‌دادن آن‌ها، برگزاری برنامه‌های خودجوش مشارکتی و گاهی اعتراض به عملکرد بیگانگان و دولت و حکومت محلی - که توان رتق و فتق امور منطقه را نداشتند و باعث ناامنی در شهر و منطقه می‌شدند - از دیگر کارکردهای گروه‌های غیررسمی در زمان جنگ در همدان بود.

۹. ایستادگی مردم و برخورد قهری متفقین با آن‌ها

از پیامدهای حضور نیروهای انگلیسی در همدان تقابل مردم علیه تعدیات آن‌ها و برخورد قهری این نیروها با مردم با هدف جلوگیری از حرکت‌ها و هیجانات خودجوش در



شهر بود. استفاده از این حربه تاحدودی توانسته بود تا با کنترل مردم، انگلیسی‌ها را در تمشیت امور شهر یاری کند. براساس این سیاست، انگلیسی‌ها چندان برخورد مناسبی با مردم شهر نداشتند و اغلب نزاع‌ها با حضور آن‌ها رخ می‌داد. رفتارهای نامناسب انگلیسی‌ها با مردم از ضعف و ناتوانی دولت ایران در احقاق حقوق مردم نشان داشت (تبرائیان، ۱۳۷۱، ص ۲۰۳). در برابر تعدی قوای انگلیس و هم‌چنین در جریان کمبود نان و ارزاق عمومی حرکت‌های مردمی به برخورد با نیروهای انگلیسی منجر شد و مردم در برابر اقدامات آن‌ها به مقابله پرداختند. در این باره در اسناد آمده است: «مردم شهر اغلب کمبودها و گرفتاری‌های خود را به حضور نیروهای متفقین به‌ویژه انگلیسی‌ها نسبت می‌دادند و به مراکز آن‌ها حمله می‌کردند. در جریان کمبود نان جمعیت متعرض شهر به سمت آن‌ها رفتند و در راه با سنگ به در و پنجره بانک شاهنشاهی و کامیون‌های حمل سربازان انگلیسی حمله کردند که آنان مجبور شدند شلیک کنند و شش نفر تیر خوردند که از آن‌ها سه نفر کشته و سه نفر مجروح شدند» (قطبی، ۱۳۸۹، ص ۵۸). البته فرمانده نیروهای انگلیس معتقد بود که عده‌ای، مردم را علیه آن‌ها تحریک می‌کنند. سرهنگ «کتاناتس»^۱ معاون اداره سیاسی ارتش انگلیس در همدان اظهار می‌داشت که ممکن است در این جریان تحریکاتی علیه ما در کار باشد و ما اجازه داریم کسی را که مردم را علیه ارتش انگلیس تحریک می‌کند تبعید کنیم (قطبی، ۱۳۸۹، ص ۵۹). در جای دیگر این اقدام را به جمعی ولگرد نسبت دادند که به سربازان انگلیسی حمله کرده‌اند. در حرکتی دیگر عده‌ای با کارد به سربازی هندی در شهر حمله کردند و او را مجروح کردند. حمله‌کنندگان سه نفر بودند که یکی از آن‌ها دستگیر شد (اسنادی از اشغال ایران در جنگ جهانی دوم، ج ۵، ۱۳۹۰، ص ۱۴۰). سفیر انگلیس در گزارشی، از این افراد به‌عنوان اشرار نام می‌برد و از دولت می‌خواهد تا اقدامی قاطع در مقابل آن‌ها انجام دهد. علاوه بر این، انگلیسی‌ها زمانی که نمی‌توانستند مخالفان خود را ساکت کنند، به اتهام‌های متعدد از دولت ایران می‌خواستند تا آن‌ها را تعقیب کند. در اتفاقی دیگر طبق گزارش مدیر مهمان‌خانه روشن همدان در ۱۵ آبان ۱۳۲۰، سیزده نفر از افسران و دژبانان ارتش انگلیس به مهمان‌خانه می‌آیند و آب‌جو درخواست می‌کنند و به‌طرف قفسه مشروبات می‌روند و شیشه آن را می‌شکنند و مشروبات قفسه را برمی‌دارند و بدون پرداخت پول، آن‌ها را با خود می‌برند و مستخدم را هم با ضربات لگد مجروح می‌کنند و می‌روند (زرین‌کلک، ۱۳۸۲، ص ۵۲۵). در برخی از برخوردها با نیروهای انگلیسی روحانیون شهر نقش داشتند. در جریان ورود عده‌ای از افسران مست انگلیسی به مدرسه آخوند، «شیخ محمدحسین بهاری» یکی از استادان مدرسه به مخالفت برمی‌خیزد: «چوبی

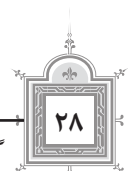
1. Contanats

برداشته و همه آنها را می‌زند و سرودست تعدادی [را] شکسته و آنها را از مدرسه بیرون می‌اندازد. طلاب [هم] در بیم واکنش نیروهای انگلیسی به خود می‌لرزند که مبادا بلایی سرشان بیاید» (صادقی، ۱۳۸۴، ص ۲۵).

۱۰. نتیجه

بررسی منابع و اسناد حاکی از آن است که اشغال همدان توسط نیروهای متفقین پیامدهای متعدد اجتماعی به بار آورد. برخی از این پیامدها به گسست و برخی به همگرایی اجتماعی در این دوران منجر و به تحولات ناخواسته بدل شد. پیامدهایی چون تعدی، غارت و قحطی، افزایش فقر و نارضایتی و تبعید و زندان، به بیگانه‌ستیزی و نارضایتی مردم از عملکرد متفقین منجر شد. این ویژگی‌های مثبت مختص دوران جنگ بود و با پایان جنگ استمرار نیافت. کمبود نان و هیجان عمومی ناشی از آن در زمان جنگ پیامدی چندوجهی بود که تأثیرات آن طولانی‌تر و مخرب‌تر از دیگر پیامدهای اجتماعی بود. این قضیه با دخالت‌های متعدد نیروهای متفقین، ملاکان و محرکان، نانوایی‌ها و حکومت محلی به حادثه‌ای تأثیرگذار در زمان جنگ تبدیل شد.

تبعید و زندانی کردن مخالفان حضور متفقین در همدان، سیاست غالب انگلیسی‌ها در دوران جنگ در همدان بود. انگلیسی‌ها با این سیاست زمام شهر را در اختیار خود گرفته بودند. در زمان جنگ مهاجرت درونی به‌ویژه مهاجرت روستاییان به شهر پررنگ‌تر از مهاجرت بیرونی بود؛ ولی با دورشدن از فضای جنگ روند مهاجرت بیرونی بر مهاجرت درونی غالب شد که تاکنون نیز ادامه دارد. در مهاجرت اقلیت‌های دینی از همدان نقش روس‌ها پررنگ‌تر بود. تحولات ناشی از مهاجرت و گسست اجتماعی علاوه بر از بین بردن بسیاری از عناصر فرهنگی و اجتماعی جامعه، باعث شد فعالیت‌هایی در زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی به‌وجود آید که خیلی از آنها اولین بار بود که مرسوم می‌شد. گسست اجتماعی در دوران جنگ سبب دگرگونی شدید در حوزه قومی، زبانی و ساختار اجتماعی منطقه شد. غارت، راهزنی و حتی دست‌درازی به اموال نیروهای متفقین برای به‌دست آوردن مواد غذایی، ایجاد هرج و مرج در شهر، و دستبرد به دکاکین و منازل از مصادیق ناامنی بود که با گسترش آن، آرامش از منطقه رخت بربست و نارضایتی مردم روبه‌افزایش نهاد. گسترش فقر بر تشدید ناامنی، هرج و مرج و نارضایتی در منطقه تأثیرگذار بود. حضور اسرای لهستانی در همدان به کمبود ارزاق، شیوع بیماری‌های عفونی چون تیفوس و تیفوئید، کمبود دارو و امکانات درمانی و اشاعه ناهنجاری دامن زد و مدت زیادی بر شهر و مردم تأثیر گذاشت.



منبع

اسناد

آرشیو دیجیتال کشور قطر (IOR/L/PS)، شماره سند: ۱۲/۳۶۸۵/۰۰۰۹؛ ۱۲/۳۶۸۵/۰۰۱۰؛ ۱۲/۳۶۸۵/۰۰۱۲؛ ۱۲/۳۶۸۵/۰۰۲۳؛ ۱۲/۳۶۸۵/۰۰۲۵؛ ۱۲/۳۶۸۵/۰۰۵۸؛ ۱۲/۳۶۸۵/۰۰۹۰؛ ۱۲/۳۶۸۵/۰۱۰۰.

اسناد وزارت امور خارجه، شماره سند: ۱۳۲۱/۲۴/۲.

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، شماره سند: ۲۴۰/۰۰۰۹۹۳/۰۱۰۰؛ ۲۴۰/۰۰۱۶۱۲/۰۰۲۵؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۰۷؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۰۸؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۰۹؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۱۰؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۱۱؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۱۲؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۱۳؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۱۴؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۱۵؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۱۶؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۱۷؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۱۸؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۱۹؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۲۰؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۲۱؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۲۲؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۲۳؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۲۴؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۲۵؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۲۶؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۲۷؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۲۸؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۲۹؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۳۰؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۳۱؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۳۲؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۳۳؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۳۴؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۳۵؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۳۶؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۳۷؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۳۸؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۳۹؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۴۰؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۴۱؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۴۲؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۴۳؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۴۴؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۴۵؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۴۶؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۴۷؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۴۸؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۴۹؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۵۰؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۵۱؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۵۲؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۵۳؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۵۴؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۵۵؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۵۶؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۵۷؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۵۸؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۵۹؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۶۰؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۶۱؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۶۲؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۶۳؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۶۴؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۶۵؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۶۶؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۶۷؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۶۸؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۶۹؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۷۰؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۷۱؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۷۲؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۷۳؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۷۴؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۷۵؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۷۶؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۷۷؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۷۸؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۷۹؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۸۰؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۸۱؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۸۲؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۸۳؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۸۴؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۸۵؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۸۶؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۸۷؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۸۸؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۸۹؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۹۰؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۹۱؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۹۲؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۹۳؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۹۴؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۹۵؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۹۶؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۹۷؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۹۸؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۹۹؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۱۰۰.

کتاب

احمدی، محمود طاهر. (۱۳۷۴). *اسناد روابط ایران و شوروی در دوره رضاشاه (۱۳۰۴-۱۳۱۸ ش)*. تهران: اسناد ملی ایران.

اسکرین، کلارمونت. (۱۳۷۰). *جنگ‌های جهانی در ایران*. (حسین نجف‌آبادی فراهانی، مترجم). تهران: نوین.

اسنادی از اشغال ایران در جنگ جهانی دوم. (ج ۲). (۱۳۸۹). تهران: مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری.

اسنادی از اشغال ایران در جنگ جهانی دوم. (ج ۵). (۱۳۹۰). تهران: مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری.

اسنادی از مهاجرت داخلی در ایران. (۱۳۹۰). تهران: مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری.

الهی، حسین. (۱۳۸۰). *احزاب و سازمان‌های سیاسی و عملکرد آنها در خراسان ۱۳۲۰-۱۳۳۲*. (طرح پژوهشی)، مشهد: دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی.

الهی، همایون. (۱۳۶۵). *اهمیت استراتژیکی ایران در جنگ جهانی دوم*. تهران: نشر دانشگاهی.

بولارد، ریدر؛ اسکرین، کلارمونت. (۱۳۶۳). *شترها باید بروند*. (ج ۲). (حسین ابوترابیان، مترجم). تهران: نشر نو.

بیات، نصرالله. (۱۳۷۴). *لهستان*. تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

تبرائیان، صفاءالدین. (۱۳۷۱). *ایران در اشغال متفقین*. تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.

ذوقی، ایرج. (۱۳۶۸). *ایران و قدرت‌های بزرگ در جنگ جهانی دوم*. تهران: پازنگ.

زرین کلک، بهناز. (۱۳۸۲). *اسنادی از روابط ایران و انگلیس (۱۳۲۰-۱۳۲۵ ش)*. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.

صادقی، مصطفی. (۱۳۸۴). *خاطرات آیت‌الله احمد صابری همدانی*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

عظیمی، فخرالدین. (۱۳۷۲). *بحران دموکراسی در ایران ۱۳۲۰-۱۳۳۲*. (عبدالرضا هوشنگ) مهدوی و بیژن

نوذری، مترجمان. تهران: البرز.
قطبی، بهروز. (۱۳۸۹). *گزیده اسناد جنگ جهانی دوم در ایران*. تهران: اطلاعات.
کاتوزیان، محمدعلی. (۱۳۷۹). *دولت و جامعه در ایران: انقراض قاجار و استقرار پهلوی*. (حسن افشار، مترجم). تهران: مرکز.
مجد، محمدقلی. (۱۳۸۹). *رضا شاه و بریتانیا براساس اسناد وزارت خارجه آمریکا*. (مصطفی امید، مترجم). تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
مجد، محمدقلی. (۱۳۹۵). *پل پیروزی، سرزمین قحطی: ایران در جنگ جهانی دوم (۱۳۲۰-۱۳۲۴)*. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
مفتون همدانی. (۱۳۷۸). *دیوان اشعار*. همدان: مفتون.
مؤمن، ابوالفتح. (۱۳۸۶). *انقلاب اسلامی در همدان*. (ج ۱). تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
نجاتی، غلام‌رضا. (۱۳۷۸). *مصدق؛ سال‌های مبارزه و مقاومت*. تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.

مقاله

آبادیان، حسین. (۱۳۹۰). «آمریکا و اهمیت نظامی ایران در جنگ جهانی دوم». *تاریخ روابط خارجی*، شماره ۴۷.
احمدی، نعمت؛ صادقی، یونس. (۱۳۹۲). «جنگ جهانی دوم و حضور متفقین در ایران (با تأکید بر نقش انگلیس)». *پژوهش‌نامه تاریخ*، سال ۸، شماره ۳۲.
بایرامی، سمانه. (۱۳۸۸). «آثار و پیامدهای اجتماعی اشغال ایران در شهریور ۱۳۲۰». *فصل‌نامه مطالعات تاریخی*، سال ششم، شماره ۲۷.
بهشتی سرشت، محسن؛ محمدپور، محمد؛ یوسفی، غلام‌رضا. (۱۳۹۲). «تبعات اجتماعی اسکان مهاجرین لهستانی در ایران طی جنگ جهانی دوم (برپایه اسناد)». *گنجینه اسناد*، شماره ۹۲.
سلیمانی، کریم؛ عزیزخواه، جمیله. (۱۳۹۱). «اقدامات میلسپو برای حل بحران نان سال‌های ۱۳۲۱-۱۳۲۳». *مطالعات تاریخ فرهنگی* (پژوهش‌نامه انجمن ایرانی تاریخ)، شماره ۱۲.
کریمی، علی‌رضا؛ کریمی سیدعلی. (۱۳۷۸). «لهستانی‌های مهاجر در ایران (۱۳۲۰-۱۳۲۳ش)». *تاریخ معاصر ایران*، شماره ۹.
نغزگوی کهن، مهرداد. (۱۳۸۷). «نگاهی به فرهنگ و زبان یهودیان همدان». *فصل‌نامه فرهنگ مردم*، شماره ۲۶ (ویژه همدان).
نقدی، اسدالله. (۱۳۷۴). «مهاجرت و حاشیه‌نشینی در ایران». *فصل‌نامه جمعیت*، شماره ۷۳-۷۴.



روزنامه

اطلاعات

شماره ۴۵۲۲، (۱۳۲۰)؛ شماره ۴۷۶۳، (۱۳۲۰)؛ شماره ۴۷۶۶، (۱۳۲۰)؛ شماره ۴۸۱۹، (۱۳۲۱)؛ شماره ۴۸۳۴، (۱۳۲۱)؛ شماره ۴۹۳۱، (۱۳۲۱)؛ شماره ۴۹۴۴، (۱۳۲۱)؛ شماره ۴۹۸۶، (۱۳۲۱)؛ شماره ۵۰۳۸، (۱۳۲۱)؛ شماره ۵۱۵۲، (۱۳۲۲)؛ شماره ۵۲۷۶، (۱۳۲۲)؛ شماره ۵۳۱۳، (۱۳۲۲)؛ شماره ۱۰۳، (۱۳۲۲)؛ پارس: شماره ۱۰۳، (۱۳۲۲).

تاریخ شفاهی

سازمان اسناد و کتابخانه ملی مدیریت غرب کشور (ساکماهمدان). آرشیو تاریخ شفاهی: مصاحبه با غلامحسین زنگنه، ۱۳۷۹؛ مصاحبه با علی اصغر نژادیان، ۱۳۸۰. مصاحبه با پرویز اذکایی، ۱۳۹۸. (مصاحبه شخصی).

سایت

ذوقی، ایرج. (۱۳۹۵/۱۰/۵). «سر ریدر بولارد سفیر انگلیس در تهران: ما مورد تنفر ایرانی ها هستیم». برگرفته از:

سایت مؤسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی: <https://psri.ir/?id=4wf5end2>

English Translation of References

Documents

“Āršiv-e Dijitāl-e kešvar-e Qatar (IOR/L/PS)” (Qatar Digital Archive (IOR/L/PS)), document number: 12/3685/0009; 12/3685/0010; 12/3685/0012; 12/3685/0023; 12/3685/0025; 12/385/0058; 12/3685/0090; 12/3685/0100. [Persian]

“Asnād-e Vezārat-e Omur-e Xārejuh (Estādox) (Documents from the Ministry of Foreign Affairs), document number: 1321/24/2. [Persian]

Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Irān (Sākmā) (National Library and Archives of Iran), document number: 240/000993/0100; 240/001612/0025; 290/003308/0006; 290/003308/008; 290/003291/0007; 290/003291/0012; 290/003292/0004; 290/003292/0005; 290/003292/0010; 290/054803/0008; 290/008362/003; 290/008362/0005; 292/003291/0014. [Persian]



Books

- Ahmadi, MahmoudTaher. (1374/1995). *“Asnād-e ravābet-e IrānvaŠoravidardore-ye RezāŠāh (1304 – 1318 SH)”* (Documents on the Relations between Iran and the Soviet Union during the Reign of Reza Shah (1925-1939)). Tehran: Sāzmān-e Asnād-e Melli-ye Irān (National Library and Archives Organization of Iran). [Persian]
- “Asnādiāzešqāl-e Irāndarjang-e jahāni-ye dovvom”* (Documents of the occupation of Iran during World War II) (vol. 2). (1389/2010). Tehran: Markaz-e PažuhešvaAsnād-e RiyāsātJomhuri (Islamic Revolution Document Center).[Persian]
- “Asnādiāzešqāl-e Irāndarjang-e jahāni-ye dovvom”* (Documents of the occupation of Iran during World War II) (vol. 5). (1389/2010). Tehran: Markaz-e PažuhešvaAsnād-e RiyāsātJomhuri (Islamic Revolution Document Center).[Persian]
- “Asnādiāzmohājerat-e dāxelidarIrān”* (Documents of internal migration in Iran). (1390/2011). Tehran: Markaz-e PažuhešvaAsnād-e RiyāsātJomhuri (Islamic Revolution Document Center).[Persian]
- Azimi, Fakhreddin. (1372/1993). *“Bohrān-e demokrāsidarIrān 1320 – 1332”* (Iran, The crisis of democracy, 1989). Translated by AbdorrezaHoushangMahdavi&BijanNozari. Tehran: Alborz.[Persian]
- Bullard, Reader William; &Skrine, Clarmont. (1363/1974). *“Šotor-hābāyadberavand”* (The camels must go) (2nd ed.). Translated by Hossein Aboutorabian. Tehran: Našr-e no.[Persian]
- Bayat, Nasrollah. (1374/1995). *“Lahestān”* (Poland). Tehran: Mo’assese-yeČāpvaEntešārāt-e Vezārat-e Omur-e Xārejeh (The Ministry of Foreign Affairs Press).[Persian]
- Elahi, Homayoun. (1365/1986). *“Ahammiyat-e ešterātežiki-ye Irāndarjang-e jahāni-ye dovvom”* (The strategic importance of Iran in World War II). Tehran: Našr-e Dānešgāhi. [Persian]
- Elahi, Hossein. (1380/2001). *“Ahzābvasāzmān-hā-ye siāsivaamalkard-e ān-*



- hādarXorāsān: 1320-1332*” (Political parties, organizations and their functions in Khorasan 1320 -1332 SH (1941 – 1953)). [Research project]. Mašhad: Dāneškade-ye Adabiyātva ‘Olum-e Ensāni-ye Dānešgāh-e Ferdowsi (Faculty of Literature and human sciences, Ferdowsi University of Mashhad). [Persian]
- Ghotbi, Behrouz. (1389/2010). *“Gozide-ye asnād-e jang-e jahāni-ye dovvomdarIrān”* (Selected documents of World War II in Iran). Tehran: Ettelā’āt.[Persian]
- Katouzian, Mohammad Ali. (1379/2000). *“Dowlatvajāme’edarIrān: Enqerāz-e Qājārvaesteqrār-e Pahlavi”* (State and society in Iran: The eclipse of the Qajars and the emergence of the Pahlavis). Translated by Hasan Afshar. Tehran: Markaz. [Persian]
- MaftounHamedani. (1278/2009). *“Divān-e aš’ār”* (The collection of Poems). Hamedān: Maftun.[Persian]
- Majd, Mohammad Gholi. (1390/2011). *“RezāŠāhvaBritāniyā bar asās-e asnād-e vezārat-e Āmrikā”* (Great Britain Reza Shah: The plunder of Iran, 1921-1941). Translated by Mostafa Omid. Tehran: Mo’assese-ye Motālē’ātvaPažuheš-hā-ye Siāsi (Political Studies and Research Institute). [Persian]
- Majd, Mohammad Gholi. (1395/2016). *“Pol-e pruzi, sarzamin-e qahti: Irāndarjang-e jahāni-ye dovvom (1320 – 1324)”* (Iran under allied occupation in World War II; The bridge to victory a land of famine). Translated by Mostafa Omid. Tehran: Mo’assese-ye Motālē’ātvaPažuheš-hā-ye Siāsi (Political Studies and Research Institute). [Persian]
- Momen, Abolfath. (1386/2007). *“Enqelāb-e EslāmidarHamedān”* (The Islamic revolution in Hamedan) (vol. 1). Tehran: Markaz-e Asnād-e Enqelāb-e Eslāmi (Marāsān) (Islamic Revolution Documents Center). [Persian]
- Nejati, Gholam Reza. (1378/1999). *“Mosaddeq; Sāl-hā-ye mobārezevamoqāvemāt”* (Mossaddegh: The years of struggle and opposition). Tehran: Mo’assese-ye Xadamāt-e Farhangi-ye Rasā. [Persian]
- Sadeghi, Mostafa. (1384/2005). *“Xāterāt-e Āyatollāh Ahmad Sāberi-ye Hamedāni”* (Memoirs of Ayatollah Ahmad SaberiHamedani). Tehran: Markaz-e Asnād-e Enqelāb-e Eslāmi(Marāsān) (Islamic Revolution Documents Center). [Persian]



- Skrine, Sir Clarmont Percival. (1370/1991). "*Jang-hā-ye jahānidar Irān*" (World war in Iran). Translated by Hossein Najafabadi Farahani. Tehran: Novin. [Persian]
- Tabraeeyan, Safa Al-Din. (1371/1992). "*Irāndarešqāl-e mottafeqin*" (Iran under occupation of the Allied Forces) (1st ed.). Tehran: Rasā. [Persian]
- Zarrinkelk, Behnaz. (1382/2003). "*Asnādzravābet-e IrānvaEngelis (1320 – 1325 SH)*" (Some documents on Iran - England relations (1941 - 1946)). Tehran: Sāzmān-e AsnādvāKetābxāne-ye Melli-ye Irān (Sākmā) (National Library and Archives Organization of Iran). [Persian]
- Zoghi, Iraj. (1368/1989). "*Irānvaqodrat-hā-ye bozorgdarjang-e jahāni-ye dovvom*" (Iran and the great powers in World War II). Tehran: Pāžang. [Persian]

Articles

- Abadian, Hossein. (1390/2011). "Āmrikāvāhammiyat-e nezāmi-ye Irāndarjang-e jahāni-ye dovvom" (America and the military importance of Iran in World War II). *Tārix-e Ravābet-e Xāreji* (Foreign Relations History), 47. [Persian]
- Ahmadi, Nemat; & Sadeghi, Younes. (1392/2013). "Jang-e jahāni-ye dovvomvahozur-e mottafeqindar Irān (bāta'kid bar naqš-e Engelis)" (World war two and the allies' arrival in Iran & the issue of the England). *Pažuheš-nāme-ye Tārix* (Scientific Journal of History Research), 8 (32). [Persian]
- Bayrami, Samaneh. (1388/2009). "Āsārvapeyāmad-hā-ye ejtemā'ee-ye ešqāl-e IrāndarŠahrivar 1320" (Effects and social consequences of the occupation of Iran in Shahrivar 1320 / September 1941). *Fasl-nāme-ye Motāle'āt-e Tvrix*, 6(27). [Persian]
- Beheshti-seresht, Mohsen; Mohammadpour, Mohammad; & Yousefi, Gholamreza. (1392/2013). "Tabā'āt-e ejtemā'ee-ye eskān-e mohājerin-e Lahestānidar Irāntey-ye jang-e jahāni-ye dovvom (bar pāye-ye asnād)" (Social Consequences of Polish migrants in Iran during WW2 based on). *Ganjine-ye Asnād*, 92. [Persian]
- Karimi, Alireza; & Karimi, Seyyed Ali. (1378/1999). "Lahestāni-hā-ye mohājerdar Irān (1320 – 1323 SH)" (Polish immigrants in Iran (1320-1323 SH / 1941 – 1944 AD)). *Tārix-e Mo'āser-e Irān* (Institute for Iranian Contemporary Historical Studies),



9.[Persian]

Naghdi, Asadollah. (1374/1995). "Mohājeratvahāšie-nešinidarIrān" (Immigration and marginalization in Iran). *Fasl-nāme-ye Jam'eeyat* (Population Magazine), 73 – 74.[Persian]

Naghzougouy Kohan, Mehrdad. (1387/2008). "Negāhi be farhangvazabān-e Yahudiyān-e Hamedān" (Looking at the culture and language of Hamadan Jews). *Fasl-nāme-ye Farhang-e Mardom*, 26 (special issue of Hamedān).[Persian]

Soleimani, Karim; &Azizkxah, Jamileh. (1391/2012). "Eqdāmāt-e Milesobarāye hall-e bohrān-e nān-e sāl-hā-ye 1321 – 1323" (Millspaugh's policies for solving the crisis of bread in 1321-1323 AH). *Motāle'āt-e Tārix-e Farhangi (Pažuheš-nāme-ye Anjoman-e Irāni-ye Tārix)* (Cultural History Studies), 12.[Persian]

Newspapers

Ettelā'āt

Issue 4522 (1320/1941); Issue 4763 (1320/1941); Issue 4766 (1320/1941); Issue 4819 (1321/1942); Issue 4834 (1321/1942); Issue 4931 (1321/1942); Issue 4944 (1321/1942); Issue 4986 (1321/1942); Issue 5038 (1321/1942); Issue 5152 (1322/1943); Issue 5276 (1322/1943); Issue 5313 (1322/1943).[Persian]

Pārs

Issue 103 (1322/1943).[Persian]

Oral history

MosāhebehbāParvizAzkāri (Interview with ParvizAzkari), 1398/2019. (Personal interview)[Persian]

Sāzmān-e AsnādvaKetābxāne-ye Melli-ye Modiriyat-e Qarb-e Kešvar (SākmāHamedān) (National Library and Archives Organization of Iran, Hamedan Center). Āršiv-e Tārix-e Šafāhi (Oral history archive): MosāhebehbāQolām Hossein Zanganeh (Interview with Gholam Hossein Zanganeh), 1379/2000; MosāhebehbāAli AsqarNežādiyān (Interview with Ali AsgharNejadian), 1380/2001. [Persian]

Website

Zoghi, Iraj. (1395/10/5 SH / October 27, 2016). "Ser Rider Bulārdsafir-e Engelisdar Tehrān: Māmored-e tanaffor-e Irāni-hāhastim" (Sir Reader Bullard, British ambassador to Tehran: 'We are hated by Iranians'). Retrieved from Sāyt-e Mo'assese-ye Motālē'ātvaPažuheš-hā-ye Siyāsi (Political Studies and Research Institute website) <https://psri.ir/?id=4wf5end2>. [Persian]

